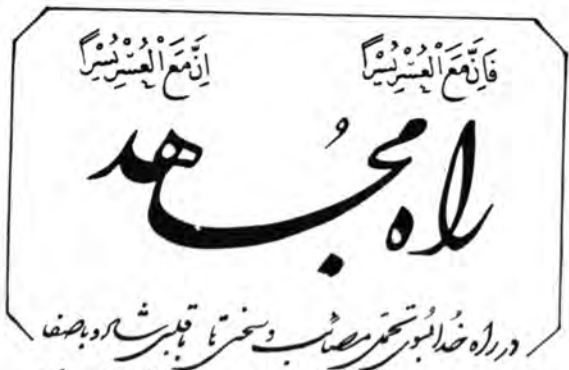


تشکیل دولت فلسطین باید گام اول

و آغاز کار مبارزه با اسرائیل باشد.

- شکی نیست که این درگیریهای لبنان بدست مزدوران صهیونیسم و آمریکا می باشد و تا کنون هم به نفع آنها بوده است.
- ایادی مرموز استعمار در صدد از زمین بردن وهشک شخصیت چهره های مبارز و متعهد و با سابقه و مفید برای انقلاب و استقلال کشور می باشد. صفحه ۷



نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال هشتم - شماره ۵۱ - بهار ۱۵۰۰ - ۱۳۶۷

خط آمریکا در قبال شوروی

• آمریکا با سیاست جدیدی خواهد نهضت های مذهبی و مارکسیستی را به درگیری با یکدیگر مشغول کند صفحه ۱۲

• جمع بندی حرکت اخیر ساف

• بنظر ما هیچ ضربه ای در درون جنبش های ضد صهیونیستی از طریق محکوم کردن قابل اصلاح نیست

صفحه ۵

ترور شهید سامی در کدام استراتژی میگذرد؟

صفحه ۲

ریشه یابی دولت مستقل فلسطین ضربه : و قطعنامه ۲۴۲

صفحه ۵



- نقش دستهای مرموز در منطقه (عراق، سوریه، یمن جنوبی)
- نقش دستهای مرموز در گروههای سیاسی
- کیفیت نفوذ امپریالیستها و صهیونیسم در انقلابات
- نحوه شناسایی جاسوسها صفحه ۱۳

وحدت نیروهای ملی و مذهبی در مبارزه با امپریالیسم

- برخی فکری میکنند که حرکت های اجتماعی بدون زمینه و طی مراحل یکباره خلق می شود.
- قرضه ملی دکترمصدق را بعنوان استقلال طلب و ضد ظلم ملی گرا میگویند ولی استقرای اعم از ملی و مذهبی بود. صفحه ۳

نظراتی پیرامون برخورد با زندانیان

- در رابطه با اعدای اخیر از اعضا و هواداران گذشته و کنونی جریان انحرافی رجوی نقطه نظرها میمختلفی در جامعه وجود دارد منجمله ... خلاصه ای از اعلامیه اخیر نهضت آزادی در این رابطه صفحه ۹

دیکتاتوری و شعار اصلاحگری

نگاهی به کودتای اسفند ۱۲۹۹

- بطور معمول بعد از تنشهای سیاسی اجتماعی و وجود بحرانهای اقتصادی مردم نسبت به یک نظام مبرقرا رکننده آراش و امنیت رغبت نشان میدهند و همین امر با نگاه دیکتاتوری است. صفحه ۱۹

دهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی گرامی باد

ملت عزیز ایران شما شرق تجا وزگر و غرب جنایتکار را به وحشت انداخته اید هیچگاه با هیچ قدرتی سازش نکنید که یقین دارم نمی کنید و هرکس در هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت بی محابا وبدون هیچ ملاحظه ای از صفحه روزگار براندازید که سازش با شرق و غرب خود باختگی است و خیانت به اسلام و مسلمین است

امام خمینی - اولین سالروز ۲۲ بهمن



با پول نفت، انقلاب را نمیتوان حفظ کرد

• مسئله اصلی امروز کشور ما اقتصاد دولتی و بازاری نیست، آنها هر دو به تجارت و خرید خارج می اندیشند. مسئله اصلی ما انتقال اندیشه است از نفتی به تولید و کار و اخلاقی و وحدت صفحه ۱۱

جنگ و صلح

از دیدگاه حجت الاسلام خا منهای و دکتر لاریجانی صفحه ۸

اخبار آیدئولوژیکی : فقه و روحانیت

- بعد از گذشت چندی از مشروطیت بدلالی که عمده ترینش به پندار من تا ما دگی علمی و اجتماعی و سیاسی علما و... برای رهبری فکری و نیز اداره جامعه بودند نظام معارض دست ایشان خارج شد. صفحه ۷

اقتصاد ایران و بازسازی

- عملکرد برخی دگما های انقلاب نگران کننده است
- ای کاش بجای جلوگیری از بخشهای اقتصادی شهید مطهری آن به آنها موشکافانه نقادی میشد.
- ضروری است مبانی اقتصادی اسلامی تحت نظارت مستقیم امام تدوین باید صفحه ۱۰

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

نقد و بررسی تئوریهای موجود درباره

استقراض خارجی

است. بسیاری از کارشناسان معتقدند که حفظ ارزش پول ملی بزرگترین دستاورد رفاهی است یعنی ارزش و قدرت خرید پنج هزار تومان سال به سال کاهش نیابد پس کاهش تورم یکی از راههای ایجاد رفاه می باشد.

بقول آقای ناصری، در ریشه یابی مشکلات اقتصادی بایستی این مسئله روشن کنیم که آیا ریشه مشکلات در فقدان یک برنامه ریزی اصولی و مرحله بندی شده بوده یا اینکه از نظر خط مشی خود کفایت اقتصادی کمبودی نداشته ایم و کمبود ارزی مشکل آفرین بوده است یا توجه به آمارهای اقتصادی موجود در ۸ سال گذشته تنها ۱/۴ از درآمد نفت صرف جنگ گردیده است و ۳/۴ آن برای سرمایه گذاری در بنیادهای اقتصادی موجود بوده است آیا از این ۳/۴ - استفاده صحیحی شده یا بدلیل فقدان برنامه ریزی قسماً از آن هزرفته است اگر چنین باشد استقراض خارجی نیز مشکلی را حل نخواهد کرد چرا که در یک طرف بدون برنامه ریزی قرار گرفته و مفید واقع نمیشود در یک نظام بوروکراتیک که هزینه جاری آن بسیار بالاست، سیاست صرفه جویی اقتصادی و انجام اصلاحاتی در نظام مقدماتی و افزایش بخشهای تولیدی در اولویت قرار دارد و بایستی برای نحوه رسیدن به این اهداف سمینار گذاشت نه برای نحوه قرض گیری از بانکهای جهانی، بدون اینکه برای معضلات فوق چاره ای اندیشیده باشیم. مهندس موسوی در گزارشی که راجع به لایحه بودجه ۶۸ به مجلس ارائه نمودند توجه شایسته ای به این نکته اساسی داشتند ایشان جمع بندی تحارب احزاب و کارشناسان خود را چنین ارائه نمودند: «اینجانب ادعا میکنم با درآمدهای ارزی به مراتب کمتر از این نیز می توان کشور را اداره کرد اگر این کاستی ها برطرف گردد میتوان با همین درآمد فعلی، رفاهی به مراتب بیشتر برای جامعه به ارمغان آورد. . . . راحت ترین کار برای دولت آن بود که بعد از جنگ به بهانه رفاه کمبودها به استقراض و اعتبارات میان مدت و دراز مدت خارجی رو بیاورد و به قیمت گذشتن از بسیاری اصول و آرمانهای انقلاب بازارها را پرو چشم ها را سیر کند و به این ترتیب آینده کشور را بفروشد ولی دولت همواره در مقابل چنین وسوسه های مقاومت کرده است و به استفاده از اعتبارات خارجی حتی در زمینه طرحهای تولیدی ویژه و مهم، چون اکل میته نگاه میکند.»

مصدق وام بدهند چرا که سیاست موازنه منفی وی را مغایر منافع استراتژیک خود می دانستند کودتای پینوشه علیه آئنده نیز نمونه دیگری از نحوه برخورد شبکه های امپریالیستی با یک دولت انقلابی است به نظر منسب جرخاندن چرخهای اقتصادی کشور به هر قیمتی حایز نمیشد. رژیم پهلوی به قیمت وابستگی ایران چنین کاری را انجام میداد. ما بایستی در صورت دستخوی فرمولی باشیم که چرخهای اقتصادی یک نظام در حال جنگ با اسرائیل و آمریکا را بچرخانیم در چنین جهاد و کوششی است که یک اگوی بازسازی انقلابی برای تمام کشورهای ضد امپریالیستی شده و نطفه رهایی دول منطقه از یوغ اسارت امپریالیسم خواهیم شد. ولی اگر برای بازسازی اقتصادی به وابستگی سریع (استقراض به هر قیمتی) یا وابستگی تدریجی (پذیرش همزیستی مسالمت آمیز یا استیکار جهانی) تن بدهیم به عنوان یک تجربه حکومتی ندانسته به یاس حرکت های رهایی بخش کمک خواهیم نمود دولت ملی مرحوم مصدق حاضر نشد حتی به قیمت حفظ حکومت ملی، تن به قرارداد بانک بین المللی و استقراض خارجی به هر قیمتی بدهد و در این راه تا مرز سقوط حکومت استقامت نمود. این مقاومت باعث شد تا روحیه ضد امپریالیستی مردم ایران زنده مانده و بالنده شده و منجر به سقوط حکومت پهلوی در سال ۵۷ گردد. اگر مصدق حاضر به پذیرش قرار دادهای اسارت بار فوق به قیمت جرخاندن اقتصاد مملکت میشد در واقع علیرغم یک پیروزی ظاهری شکستی استراتژیک خورده بود، چرا که ضربه بزرگی به روحیه ضد وابستگی و استقلال طلبانه مردم میزد طبعاً با چنین یاسی فراهم شدن زمینه های سقوط رژیم وابسته پهلوی نیز بعید تر میشد.

یکی از محققین آمریکایی بنام مارک - ج - گاز یوروسکی در تحلیل ریشه های انقلاب اسلامی که توسط سرهنگ غلامرضا نحاتی ترجمه شده است و تحت عنوان کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به چاپ رسیده است می گوید: کودتای ۲۸ مرداد حکومت دگر مصدق آخرین رژیم دمکرات منش و مردمی را که در ایران به وجود آمده بود بر انداخت و رژیم دیکتاتوری جایگزین آن، همه فعالیت های سیاسی جامعه را سرکوب کرد. . . . اگر مصدق سرنگون نشده بود شاید انقلابی هم رخ نمیداد. بقول یک کارشناس اقتصادی اگر هم در بسیار موارد استثنايي استقراض خارجی به نتایج مثبت اقتصادی منتهی شود قطعاً از دست رفتن استقلال سیاسی دستاورد دیگر آن بوده است.

پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ بحث هایی در جامعه استقراض خارجی شروع شده که استقراض خارجی یکی از این بحث هاست به ابتکار دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران میزگردد در رابطه با استقراض خارجی به تاریخ ۶۷/۹/۲۸ تشکیل شد که در آن تنی چند از مسئولین تئوریهای را درباره استقراض خارجی ارائه نمودند که در گمیان ۶۷/۱۰/۳ به چاپ رسید با قدراتی از چنین اقداماتی که موجب می شود تا مردم در جریان معضلات موجود در نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته و در حل آنها مشارکت نمایند به نقد و بررسی تئوریهای موجود درباره استقراض خارجی در محورهای زیر میپردازیم:

۱- استقراض خارجی بایستی در گذار از خط مشی ضد استیکاری مطالعه شود یا در گذار سود و ضرر صرفاً اقتصادی

مهندس الویری: راه سوم استفاده از اعتبارات خارجی به منظور سرمایه گذاری در طرحهایی است که برای کشور ایجاد درآمد ارزی می کند مثلاً احداث فرودگاه بین المللی ۷ تیر در حاده ساوه که هزینه ارزی آن حدود ۳۰۰ - میلیون دلار بوده ولی سالیانه بطور متوسط ۱۰۰ میلیون دلار درآمد ارزی عاید کشور می نماید طبعاً انجام چنین پروژه هایی که موجب وابستگی و ایجاد خطر برای کشور نمیکند استفاده از وام خارجی بلا مانع است. . . دلیل اینکه طی ۸ سال جنگ، ما از این نوع وامها استفاده نکردیم به علت شرایط نامناسب برای سرمایه گذاری در آن بوده است و از طرف دیگر چون با مسئله وام خارجی شعاری برخورد شده مسئله لوذ گردیده است.

اگر در گذار سود و ضرر صرفاً اقتصادی مسئله استقراض خارجی نگاه کنیم طبعاً به تحلیل فوق خواهیم رسید چرا که فرمول فوق دارای ارزش افزوده قابل توجهی است ولیکن بایستی به این نکته توجه داشت که چنین فرمولی که استقراض خارجی یکی از پایه های آن قرار می گیرد موجب می شود تا تدریجاً به یک همزیستی مسالمت آمیز با استیکار جهانی برسیم چرا که همزیستی فوق از لحاظ اقتصادی به سود ما بوده و در صورت ایجاد کوچکترین رنجشی برای استیکار جهانی، سیستم پولی بین المللی که توسط شبکه های امپریالیستی فراملیتی اداره می شود از دادن وام به ما مانع خواهند کرد انجام چنین تعدیلی در خط مشی ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی بزرگترین امتیاز سیاسی برای غرب خواهد بود و به اسارت کشیدن یک دولت انقلابی بصورت خزنده و مرحله ای است طبعاً با انجام چنین تعدیلی مقاومت گمونی مان را در برابر استقراض برای هزینه های جاری و عمرانی نیز از دست خواهیم داد به نظر ما علت عدم استفاده از استقراض خارجی در طول جنگ نه به خاطر برخورد شعاری گونه با این مسئله بلکه به خاطر فعال بودن خط مشی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در ایران بود (آزادی - قدم از طریق گریلا) با وجود چنین خط مشی ای امپریالیسم نه تنها حاضر به وام دادن به جمهوری اسلامی نبوده بلکه با وارد کردن شوک هایی به درآمد نفتی مان سعی در فلج کردن اقتصاد و خط مشی فوق داشت که به دلیل وجود برخی زمینه های داخلی تا حدی به نتیجه رسید. ۳۶ سال پیش از این در دوران حکومت مردمی دکتر مصدق نیز شبکه های بانکی بین المللی حاضر نشدند به مرحوم

دولت ملی مرحوم مصدق حاضر نشد حتی به قیمت حفظ حکومت ملی به قرارداد بانک بین المللی و استقراض خارجی به هر قیمتی تن بدهد و در این راه تا مرز سقوط حکومتش استقامت نمود.

۳ - ساده اندیشی نسبت به ماهیت استیکاری شرکتیهای فراملیتی و ضربه حاصل از آن بازسازی اقتصادی

مهندس الویری: بر مبنای اصول قانون اساسی، سرمایه گذاری خارجی در کشور تنها به دو صورت امکانپذیر میباشد ۱ - مشارکت خارجی در طرحهای عمرانی کشور و دریافت سهم و سود سرمایه گذاری از طریق تولیدات همان واحد تولیدی. . . پس از این مشارکت ما می توانیم سهام شرکت خارجی را با کالای تولیدی همان کارخانه بخریم این شیوه در ژاپن پس از جنگ جهانی دوم جواب مثبت داده است ژاپنیها معتقدند به وسیله این روش یعنی مشارکت با خارجیان توانسته اند که تکنولوژی سرعت کنند آنها هم چنین شعار روحیه ژاپنی با اضافه تکنولوژی غربی را پس از جنگ مطرح ساختند، یعنی تکنولوژی غرب را وارد کرده و با روحیه و فرهنگ خاص خود آن را در اختیار گرفته و سپس با خرید سهام خارجیان از آنها سلب اختیار کرده اند.

۲- ریشه مشکلات اقتصادی کمبود درآمد ارزی است یا فقدان خط مشی خود کفایتی اقتصادی

آقای ناصری کارشناس اقتصادی: سؤال اصلی این است که آیا واقعاً از حد اکثر امکانات کشور بهره برداری شده که حال بگویم کم آورده ایم. . . میزان درآمد ارزی ناچیز نبوده است ثانیاً در مورد هزینه کردن این درآمد بر اساس نیازهای اساسی برنامه ریزی نشده است مثلاً آیا واقعاً در مورد گندم نمیتوان هزینه ارزی واردات آن را با افزایش تولید در واحد سطح صرفه جویی کرد؟ آیا همه امکانات موجود داخلی را مورد بررسی قرار داده ایم به نظر من پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ ما دچار نوعی شتابزدگی شده ایم. . . هدف ما این است که الگوی استقامت برای جهان باشیم حال گذشته از این بحثها آیا تنها راه ایجاد رفاه برای مردم و قور مواد غذایی

وحدت نیروهای ملی و مذهبی در مبارزه با امپریالیسم

شده و با تشدید و دامن زدن به آن سعی کرده این دونیرو و پنا نیل را علیه یکدیگر بسیج نماید. در این مقاله به نمونه هایی از این توطئه اشاره خواهیم کرد.

توطئه امپریالیسم تشدید تضاد بین نیروهای ملی و نیروهای مذهبی

۱ - سرنوشت عبرت انگیز خلافت عثمانی: امپراطوری عثمانی که ادعای خلافت اسلامی داشت و اکثر ملل مسلمان را در بر می گرفت در برابر قدرتهای استعماری زمان یعنی انگلیس و فرانسه و در این اواخر آمریکا خود قدرتی شده بود که موجودیت و منافع آنها را تهدید می کرد و در نتیجه شیوه های اسلامی داشت و امتدادی بود ولی بدلیل شکل اسلامی داشتن اکثر ملت های مسلمان و روحانیون از قدرت آن حمایت و اظهارت می کردند. لذا سلطان عثمانی بر سرزمین پهنا وری از عراق و عربستان فعلی از یکطرف تا ترکیه و شام و حتی برخی کشورهای آفریقایی حکومت می کرد.

انگلیس و فرانسه ابتدا با شیوه نظامی و اغتالگری به برخی کشورهای عربی تجاوز کردند و سعی نمودند قدرت عثمانی را تحریک و تضعیف کنند، الجزایر، عدن، تونس، مصر، سودان، لیبی و مراکش بترتیب از سال ۱۸۳۰ تا ۱۹۱۲ بدین ترتیب بصورت مستعمره انگلیس یا فرانسه درآمدند.

در برابر این موج استعماری و دولت عثمانی بدلیل ضعف های درونی خود و قدرت مقابلین را نداشت، ولی موج جدید استقلال طلبی در این کشورهای تحت استعمار بجاوش در آمد، اغلب این جنبش ها آمیخته با روح ناسیونالیستی و وطن خواهی در برابر تجاوز و زیگان نبود. ولی دولت عثمانی با روحیه مستبدانه ای که داشت، به ناسیونالیسم پدیده شک و تردید می نگریست و رشد آنرا نافی ها کفایت خود می پنداشت. لذا ملت های تحت استعمار اروپا دومنکل عمده داشتند یکی استعمار اروپایی، و دیگری استبداد دولت عثمانی. البته دشمن اصلی مشخص بود که همان استعمار بیگانان اروپایی است. در همین زمان (اواخر قرن نوزدهم) یک نهضت آزادی خواهی بنام ترک های جوان در آناتولی (ترکیه) بوجود آمد که با نهضت آزادی خواهی عربی میان خوبی داشت. ترک های جوان در سال ۱۹۰۸ موفق شدند عبدالحمید پاشا سلطان عثمانی را سرنگون کرده و رژیم جدیدی بر سر کار آوردند. این رژیم که با شعار آزادی و دموکراسی روی کار آمده بود خویش بینگی نهضت های عربی را بجد جلب کرد. بعنصوان مثال شاهزاده شریف حسین را که تا ۱۹۰۸ در استان بعلبک در لبنان ناسیونالیستی تبعید بوده فرمانداری مکه منصوب کردند. اما پس از جنگی رژیم جدید نیز همان روش استعمارگران اروپایی با ملل تحت سلطه خود عمل کرد. روشنفکران عرب به این نتیجه رسیدند که ناسیونالیستی خودشان همستگی پیدا کنند. آنها بدنیال این نیاز، شریف حسین را که طالب رهبری و ایجاب امپراطوری عربی در سرزمین های عربی بود دیده و او را به

عنوان رهبر نهضت جدید پذیرفتند. در سال ۱۹۱۴ که جنگ جهانی افتاد و انگلیس و فرانسه در مقابل دولت عثمانی وارد جنگ شدند، سلطان عثمانی از شریف حسین در مقابل انگلیس ها کمک خواست، شریف حسین هم در مقابل شرط برسمیست شناختن دولت عربی را مطرح کرد که پذیرفته نشد. در این میان انگلستان از این تضاد بهره جست انگلیس به شریف حسین قول داد که حکومت عربی او را ره رسمیت شنا سب شرطی که او از حمایت عثمانی دست برداشته و علیه آنها قیام کند. در این زمان دولت عثمانی از طرفی با قیام سرزمین های عربی به رهبری شریف حسین رو بپوشید و از طرفی جنگ با فرانسه و انگلیس، و در نتیجه سقوط کرد. ولی پس از سقوط عثمانی انگلیس به شریف حسین هم وفا نکرد و اما رتات آنها در حد حجاز محاز شمرند. (۱۹۱۷) و ۶ سال بعد هم به رقبت او این سعادت کم کردند و توسط او شریف حسین را ساقط نمودند. و اکثر کشورهای تحت سلطه عثمانی طبق قرارداد سیکس پیکورین - فرانسه و انگلیس تقسیم شد. این دوره تاریخ حاوی تحریکات بسیار گوناگونی است. دولت های عربی برای تحت نفوذ گرفتن خاور میانه و دشمنی داشتند. یکی خلافت سراسری عثمانی و دیگری نهضت استقلال طلبی ملتها. آنها با درگیر کردن این دونیرو با یکدیگر هر دو را سرکوب و منکوب نمودند و به غارت و جپاول منابع کشورهای این منطقه پرداختند.

طبق اسناد مکشوفه زلانه جاسوسی (ج ۲۳) و اعترافات دکتر مظفر بقایی، انگلیس و آمریکا قبل از کودتای ۲۸ مرداد بدنیال مهره های قابل اعتماد می گشتند که به آیت الله کاشانی نزدیک باشند و برایشان تاثیر گذارد. دکتر بقایی که خود چنین وضعی داشت با تحریک بیگانگان نقش بسیار مهمی در بدین کردن آیت الله کاشانی نسبت به دکتر مصدق و ایجاب افتراق در بین آنها ایفا کرد. این افتراق تا بجایی می رسید که درگیری با دربار و انگلیس از اولیت افتاده و کینه دکتر مصدق جای آنرا می گیرد. تا حدیکه مشا هده می کنیم آیت الله کاشانی که روزی جاسوسی دکتر مصدق علیه دربار نمود از اهدی دربار بروی حمایت می کند. از طرف دیگر فدائیان اسلام که داعیه حکومت اسلامی و ضدیت با شاه و دربار داشتند بدلیل اینکه دکتر مصدق برخی خواسته های آنها را در زمینه حجاب اجباری و نماز جماعت اجباری در ادارات و ... را اجرا کرده است با حکومت ملی دکتر مصدق و آیت الله کاشانی در افتادند و آنرا ضد اسلامی دانستند. و حتی علیه هم وجود دربار و سلطنت، تضاد اصلی را دکتر مصدق گرفته و دست به ترور دکتر فاطمی می زنند. اکنون مسلم شده است که عنا صرد دربار مثل سیدضیاء از طریق واسطه های بی در تحریک و تهییج فدائیان اسلام به موضع گیری علیه دکتر مصدق نقش عمده داشته اند (کتاب مصدق و تاریخ ۲۱۴).

با این ترتیب دربار رهنه خنای های مذهبی اعم از آیت الله بروجردی و حوزه های علمیه

در مرحله ورود به خاک عراق پس از فتح خرمشهر مسئله ای که اساساً مورد توجه و محاسبه قرائن گرفت همین ناسیونالیسم مردم و ارتش عراق بود. ... توجه نشد که ارتش عراق اگر در مرحله دفع تجاوز خوب نمی جنگیدند حالت عکس ارتش ما را داشت ولی در مرحله ورود ما به خاک عراق قضیه فرق می کند.

۲ - تجربه نهضت ملی

در جریان ملی کردن نفت در سالهای قبل از کودتای ۲۲، دکتر مصدق بعنوان یک رهبر ملی مطرح بود. همه اقشار اعم از دانشجو، بازاری، و روحانی و شهری و روستایی متحد و همگام شدند تا دست انگلیس را از غارت منابع نفتی کوتاه نمایند. آیت الله کاشانی نیز خودشان عضو جنبه ملی بودند و رهبری دکتر مصدق را پذیرفتند و از طرف دیگر ایشان بدلیل روحانی بودن بمتابه پلی بین جنبه ملی و اقشار مذهبی و متشرع عمل میکردند. یکی از موز موفقیت نهضت ملی و قطع یدا از استعمار انگلیس و منزوی کردن دربار رهنم اتحاد نیروها بود. دشمن هم روی شکستن همین اتحاد سرمایه گذاری کرد. در منزل آیت الله بهیانی که وابسته به دربار بود عده ای بنام محرر، نشسته بودند تا مهاری بسیاری با امضای حزب توده و جوهر قرمز جعل کردند و برای علما و ائمه جماعت سراسر کشور پست کردند که در آن از طرف حزب توده تهدید کرده بودند که شما را با ثانی سرتان بالای تیر چراغ برق بزند و با رخواست میزند. یکی از همین آقایان بعدها به آقای طالقانی گفته بود آنقدر نامه نوشتیم که تا مدت ها بعد از کودتا دستم درد می کرد (۱) در همه جا شایع کردند که ما مدارای مصدق موجب تقویت حزب توده و حاکمیت کمونیستها شده است.

آیت الله کاشانی، فدائیان اسلام و غیره را علیه مصدق برانگیخته و زمینه سقوط دکتر مصدق را فراهم می کند. تا حدیکه روحانیون برجسته و مشهور زمان شاه را بعنوان پادشاه شیعه تا فید کرده و از کودتای ۲۸ مرداد حمایت میکنند (۲) اما بعد از استقرار حکومت کودتا ابتدا دکتر مصدق، دکتر فاطمی و باارانش با زداشت و محاکمه می شوند. دکتر فاطمی اعدام می شود.

و سپس به سرکوب ناسیونالیه می پردازد و سران معتقد و وفادار حزب توده مثل خسرو روزه دستگیر و برخی اعدا میا حبس می شوند. آیت الله کاشانی را نیز منزوی و خانه نشین می کنند. فدائیان اسلام را هم در سال ۱۳۳۵ اعدام می کنند.

از این وقایع تلخ این تجربه بدست می آید که تضاد و افتراق نیروهای ملی و استقلال طلب با نیروهای مذهبی خرب نشی است. امپریالیسم و ایدئولوژی وابسته اش نیست و بدون این اتحاد نیروی ملی و مذهبی نمی توان بر توطئه و غارت استعمار غلبه کرد.

با ید توجه کرد که در ایران نیروهای ملی اصیل دیوان حافظ و مثنوی و ... را قبول دارند که بهترین تفسیر قرآن است. لذا نمیتوان هویت ملی را از هویت مذهبی کاملاً جدا نمود. بقیه در صفحه ۱۷

با ورقه: ۱ - کتاب مصدق و تاریخ مقاله آقای احمدزاده . ۲ - حتی در جریان سقوط هواپیمای علیرضا پهلوی تلگراف به شاه میزنند که حفظ جان شما برای کشور واجبست تقاضا میکنیم ما سوار هواپیمای شوید.

سروش و تشکیل یک دولت مستقل در سرزمین میهن میباشد و به
ایجاد صلح و امنیت برای تمام کشورهای منطقه بیانجامد تاکید میکند
الف- برپایی یک کنفرانس صلح بین العلی
ب- عقب نشینی اسرائیل از کلیه سرزمینهای عربی که از سال ۱۹۶۷ به
اشغال در آورده و قدس عربی جز آنها میباشد .
.....

۲- سازمان ملل امنیت را برای تمام کشورهای زیربط در منطقه از جمله
انهاد دولت فلسطین، تضمین نماید شورای ملی فلسطین بار دیگر
پایدارت را به قطع نامه های سازمان ملل که بر حق ملتها، در مقاومت
اشغال خارجی، استعمار، نژاد پرستی، حق مبارزه برای نیل به
استقلال تاکید میکند، تاکید مینماید و بار دیگر توریسم بین العلی را
رد مینماید.

۳- در هر دو زمینه عربی و بین العلی . . . شورای ملی فلسطین از
سازمان آزادیبخش فلسطین میخواهد که در راه ایجاد همبستگی همه
خانه با امت عربی و کشورهای عرب جهت رویارویی با اسرائیل و به
پشتیبانی آمریکا از این تجاوز کوشش نماید .

دلایل موافقین و مخالفین بیانیه استقلال
فلسطین

جنبه بندی موافقین و مخالفین بطریقی است که در بین مخالفین
از جریانات انقلابی چون حزب الله و . . . گرفته تا جریانات استبداری
چون اسرائیل و آمریکا یک لیدر وسیعی وجود دارد و در بین موافقین
نیز کشورهای ارتجاعی چون مصر و اردن از یک طرف و نیروهای متوقی
چون لیبی و الجزایر و رهبری قیام در مناطق اشغالی از طرف دیگر
دیده میشوند . بنابراین موافقت یا مخالفت صرف با این مسئله نمیتواند
ملاک درستی برای درک حق و باطل واقعی در منطقه باشد . برای
مرز بندی صحیحتر لازم است تا به مواضع و خط مشی و دلایل نیروهای
موافق و مخالف توجه شود که بر این اساس تقسیم بندی زیر صورت گرفته
است.

اول- دلایل موافقین

۱- نفی تئوری گسترش ارضی اسرائیل از نیل تا فرات ؛
تشریح روزنامه دولت سوریه نوشت: از تاسیس کشور فلسطینی حمایت
میکند چون این کشور به فلسطینیها هویت میبخشد و تئوریهای دشمن
صهیونیستی را باطل میسازد این اقدام در چهارچوب سیاست سوریه
قرار دارد . در برابر با موضع رسمی دولت سوریه سه سازمان فلسطینی
الاعمالی منتشر ساختند و از موضع رسمی سوریه دایره بر رسمیت
شناخته شدن کشور فلسطینی حمایت و ابزار خشونتی کردند .
(کیهان - ۲۸ آبان ۶۷)

۲- تشکیل دولت مستقل فلسطینی بزرگترین دستاورد سیاسی قیام
به گزارش روتیر وزارت خارجه کوبا با انتشار بیانیه ای گفت قیام یک ساله
فلسطینیها در سرزمینهای اشغالی کرانه غربی رود اردن و نوار غزه
نشان داد هر گونه راه حل صلح آمیز مسئله خاور میانه باید دربرگیرنده
شناختن حقوق غیرقابل تعویق فلسطینیها در مورد خود مختاری باشد
- وزارت خارجه لیبی گفت شناسایی کشور مستقل فلسطینی از سوی لیبی
صنعتی بر اعتقاد این کشور نسبت به حق مسلم فلسطینیها برای ایجاد
کشور مستقل است (بهبمن ۲۶ آبان ۶۷)

۳- به گزارش فرانسه پس از نیکوزیا رهبری فلسطین ضمن ابواب خرسندی
از تصمیمات اخیر شورای ملی فلسطین خواستار تشدید مبارزه علیه
اشغالگران صهیونیست تا استقلال کامل فلسطین شد . رهبری قیام
فلسطین در سرزمینهای اشغالی در بیست و نهمین اعلامیه خود که
یت نسخه از آن به دفتر خبرگزاری فرانسه در نیکوزیا فرستاده شده
تاکید کرده است که تصمیمات شورای ملی فلسطین نمایانگر وحدت ملی
در داخل و خارج - سرزمینهای اشغالی است در اعلامیه اضافه شده
است که برگزار کنندگان این شورای ملی فلسطین در سازمان ملل متحد
با شرکت کشورهای عضو دائمی شورای امنیت و دیگر کشورهای ذینفع
و ساف نمایندند قانونی منحصر بفرد ما بر پایه قطع نامه های ۲۴۲ و
۳۳۸ شورای امنیت نشانه تمایل ملت ما به یک صلح عادلانه و کلی در
چهارچوب تشنج زدایی بین العلی است.

بود به ما نشان داد وی را سخت از کوره بدر کرده بود خاطرنشان
کرد که ما حق نداشته ایم قبل از آنکه از انگیزه او برای پذیرش طرح
راجرز مطلع شویم از وی انتقاد نماییم . . . بنظر او ارزش قطع نامه ۲۴۲
در این است که بشتواند بین العلی حق اعراب به باز پس گرفتن سرزمینها
از دست رفته را تضمین کرده است در این موقع ناصر بالحنی تسخیر
آحیز و خطاب به پاسر عرفات پرسید فکر میکنید برای نابودی دولت
صهیونیستی و استقرار دولتی متحد و دموکراتیک در تمامی فلسطین
آزاد شده چند سال وقت احتیاج دارید ؟ ناصر ما را ضمیمه به تحقیق
سیاستی غیر واقع بینانه نمود و اظهار داشت که یک دولت کوچک در
ماهر اردن و غزه از هیچ بهتر است .
سعی مادر این مقاله ارائه یک جمع بندی از علل پذیرش تلویحی
قطع نامه ۲۴۲ از سوی شورای ملی فلسطین میباشد .

پذیرش قطع نامه ۲۴۲ از ریشه های استراتژیکی برخوردار است
که تنها محدود به سازمان آزادیبخش فلسطین نبوده بلکه بعنوان یک
نارسایی استراتژیک در تمامی جنبشهای ضد صهیونیستی منحل شده
انقلاب اسلامی ایران نیز با اختلاف مراتب به چشم میخورد . محورهای
این مقاله عبارتند از :

- قسمتهایی از بیانیه استقلال فلسطین (متن کامل آن در کیهان ۱۳ و
۱۴ آذرماه ۶۷ چاپ رسیده است)
- دسته بندی منطقیهای موافقین و مخالفین بیانیه

انگیزه نگارش :
سعی ما در این مقاله ارائه یک جمع بندی از علل
پذیرش تلویحی قطع نامه ۲۴۲ از سوی شورای ملی
فلسطین میباشد . طبعاً تحلیل زیر سخن آخر
نیوده و آمادگی خود را جهت شنیدن و انعکاس
نظرات و انتقاداتی در این رابطه از سوی مبارزین
فلسطینی و سایر صاحب نظران اعلام میداریم .

ریشه یابی ضربه :

دولت مستقل فلسطین

وقطعنامه ۲۴۲

چرا ضربه استراتژیک ؟

پس از انتشار بیانیه شورای ملی فلسطین مبنی بر تشکیل دولت
مستقل فلسطینی و پذیرش تلویحی قطع نامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ و ۱۸
سازمان ملل و برخورد های مختلفی با این تصمیم گیری صورت گرفت برخی
آنها در حد سازش و خیانت معرفی کرده و دهه کی هم آنها به مشابه
یک ضربه استراتژیک به حساب آوردند که از جمله این نیروها میتوان
حزب الله لبنان را نام برد .

به نظر ما پذیرش تلویحی قطع نامه ۲۴۲ بدلیل زیر در حکم
یک ضربه محسوب میشود و بایستی از جانب رهبران جنبش فلسطین که
در دلسوزی و آرمانخواهی آنان شکی نیست مورد ریشه یابی قرار گیرد
چندی پیش یکی از مقامات بلند پایه فلسطینی در ایران گفته
بود که سازمان آزادیبخش فلسطین برای خود یک خط سرخهایی قائل
است که هیچگاه به این خط سرخها نزدیک نشود . وی یکی از این
خط سرخها را قطع نامه ۲۴۲ میدانست . بخاطر خط سرخ دانستن
این قطع نامه بود که فلسطینیها ۲۰ سال بر سر عدم پذیرش آن مقاومت
کردند .

قطع نامه ۲۴۲ بعد از جنگ ژوئن ۶۷ در شورای امنیت به تصویب
رسید و جمال عبدالناصر با توجه به ضربه نظامی بزرگی که خورده بود
آنها به همراه طرح راجرز پذیرفت . این اقدام ناصر بلافاصله از سوی
نشریات متعلق به فتح مورد حمله قرار گرفت ابواب در صفحات ۱۳۶ و
۱۳۷ و ۱۳۸ کتاب فلسطینی آواره در این باره چنین میگوید " جنبش
ما بر علیه طرح راجرز و قطع نامه ۲۴۲ سازمان ملل متحد که مبنای طرح
آمریکاست قد علم نموده است معذالک در شورای مرکزی مقاومت در مورد
روشی که میبایست در برابر ناصر اتخاذ میشد اختلاف نظر وجود داشت
آیا میبایست با رژیم مصر در میافتادیم ؟ اکثریت که موافق سیاست ماجرا
جهانه بود به این سوال پاسخ مثبت داد . . . از پیش میدانستیم که
چون (ناصر) علناً اعلام نموده که ملت رد قطع نامه ۲۴۲ را از طرف
مقاومت (فلسطین) که به هیچ وجه به آرمانهای خلق فلسطین پاسخ
نمیدهد کاملاً درک میکند به ما خیانت نخواهد کرد . . . ناصر با سردی
زیاد با ما ویرود شد هنوز از راه نرسیده گفت برای اینکه قبل از ملاقات
با شما بر عصبانیت فائق شوم یک ساعت در باغ قدم زدم . حمله های
که در نشریات فتح به او شده بود و نمونه هایش را که روی میز افتاده

ریشه یابی ضربه و علل پذیرش تلویحی قطع نامه ۲۴۲

قسمتهایی از بیانیه استقلال فلسطین

" با ارواح شهداء بانوده های ملت فلسطین ، با امت عرب و با تمام
آزادگان دنیا عهد و پیمان میندیم که راه مبارزه تا پایان دادن به
اشغال ، تحکیم استقلال و حاکمیتان ادامه دهیم . . . نیروهای اشغال-
گر صهیونیستی و از پشت سرشان آمریکا دیگر نمیتوانند به سعادت خود
و خودداری از قبول اراده بین العلی ادامه دهند که تمام دنیا امروز
خواهان برپایی یک کنفرانس صلح بین العلی میباشد که از آن راه ملت
فلسطین بتواند حقوق میهنی اش را که در اس آن حق تعیین سرنوشت
و استقلال میهن در سرزمینش قرار دارد دست یابد . . . شورای ملی
فلسطین تصمیمات زیر را اتخاذ مینماید .

۱- در زمینه بالا بردن قیام و استوار بخشیدن به آن
الغد آماده سازی تمام امکانات جهت بالا بردن قیام ملت
بید پشتیبانی از سازمانهای توده ای در سرزمینهای اشغالی
.....

۲- از سازمان ملل دعوت به عمل آید که سرزمینهای اشغالی را اداره
نماید تا مردم ما از حالت اشغال در آیند .

۳- از توده های ملت فلسطین در خارج دعوت به عمل آید که پشتیبانی
خود از قیام را ادامه دهند و به آن تداوم بخشند .
.....

۲- در زمینه سیاسی

بنابر آنچه که گفته شد شورای ملی فلسطین بر عزم راسخ سازمان
آزادیبخش فلسطین و تصمیم آن برای رسیدن به یک راه حل سیاسی
گسترده برای کشش اعراب و اسرائیل که جوهره آن همانا مسئله فلسطین
میباشد باستناد اعلامیه استقلال صادره در مورخ ۱۵ / ۱۱ / ۱۹۸۸ و به
عنوان لیدر گفتن به ندای اراده انسانی که خواهان صلح ایجاد راه
حلهای صلح آمیز برای مشکلات منطقه ای بر مبنای قطع نامه های
شورای امنیت ۶۰ - ۶۷ - ۲۰۸ و تصمیمات کنفرانسهای سران عرب
مبنی بر احقاق حقوق ملت فلسطین که همانا حق بازگشت تعیین

صهیونیستها در فکر اشغال از نیل تا فرات و تشکیل اسرائیل بزرگ
هستند .
آیه الله منتظری



از آنجا شکی در این خصوص نیست که این اختلافات و درگیریها در هر کجا که باشد بخصوص لبنان بین شیعه و سنی و بین برادران حزب الله و اهل بدست عوامل صهیونیستها و مزدوران آمریکا می باشد و تاکنون تمام این خونریزیها و درگیریها در داخل به نفع آمریکا و غرب و اسرائیل بوده است .

- ۱- کمک به باورهای تحلیلیهای سیاسی نیروهای مکتبی .
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان .
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم . ضمناً راه مجاهد با این اخبار برخورد فعال میکند .

خط امام در کلام آیت الله منتظری



تشکیل دولت فلسطین باید گام اول و آغاز کار مبارزه با اسرائیل باشد

انتظار ما از مسئولین کشور سوریه این است که ترتیبی بدهند تا این اختلافات و درگیریها در لبنان خاتمه یابد . و تمام نیروهای اسلامی و امکانات آنان اعم از شیعه و سنی و فلسطینی و حزب الله و اهل همگو در راه مبارزه با اسرائیل بسیج شوند . در کشور لبنان که تقریباً سوم مردم آن مسلمان هستند . این حق طبیعی آنهاست که حکومت و قدرت را دست اکثریت انتخاب شود .

باید توجه داشت که در این شرایط شعار اسلامی کردن لبنان گشودن جبهه دیگری بر جبهه های جنگ داخلی لبنان است . (شیخ محمد حسین فضل الله نیز همین نظر را تائید کردند) - (مجله حوزه -) در صورتی که اگر شعار حکومت دموکراتیک و رای اکثریت در لبنان داده شود طبیعتاً حکومت اسلامی بر سر کار خواهد آمد .

نکته ظریفتر اینکه در شرایطی که گروههای مسلمان لبنان هنوز حاکم نشده به درگیری و کشتار همدیگر پرداخته اند ، چه تضمینی برای برقراری وحدت ملی بعد از تشکیل حکومت اسلامی می باشد . و یاقوتی در ایران بقول امام مرز حکومت و اسلام محمدی و آمریکایی هنوز معلوم نیست ، آیا بهتر نیست قبل از شعار حکومت اسلامی در دیگر بلاد ماباری سایر مسلمانان بنشینیم و این مرز را مشخص کنیم تا دیگران به این مسائل و مشکلات ما گرفتار نیایند ؟

باتوجه به این واقعیات است که در لبنان طرح شعار اسلامی کردن لبنان موجب موضعگیری برخی گروهها میشود و وحدت ملی علیه اسرائیل را مخدوش میکند . که خود نافی هدف انقلاب اسلامی است . ولی طرح شعار دموکراتیک بر مبنای رای اکثریت در لبنان ، از یکطرف گروهها را به موضعگیری و مخالفت میکشاند و از طرف دیگر در عمل مسلمانان به حاکمیت میرسند . کما اینکه آیت الله منتظری گرچه رای اکثریت را معیار و ملاک حق و باطل نمیداند ولی برای تفهیم و الفت نیروها چنین استدلال میکنند . البته توجه به این نکته ضروری است که باتاکیدات آیت اله منتظری در مبارزه با اسرائیل مسئله حاکمیت و توازن نیروها در لبنان تنها در این بستر مبارزه حل میشود .

رسالت
دیدار با وزیر امور خارجه سوریه :
۶۷/۱۰/۱۰

امروز باطلی که تمام مسلمانان به آن گرفتار شده اند صهیونیستها هستند که به شکل یک فده سرطانی در مقابل اسلام و مسلمین توسط آمریکا و غرب در قلب مسلمانان درست شده و هدف اصلی آنها تنها اشغال فلسطین نیست . صهیونیستها در فکسر اشغال از نیل تا فرات و تشکیل اسرائیل بزرگ می باشند . اگر این قیام و نهضتی که اکنون بنام اسلام و در فلسطین اشغال می بوجود آمده در طول سالهای گذشته بوجود آمده بود به یقین امروز انقلاب ملت فلسطین پیروز شده بود .

انتظاری که از مسئولین کشور سوریه است حمایت کامل و همه جانبه از مقاومت اسلامی ملت فلسطین و رفع اختلافات گروهی و سازمانی در مبارزین و مجاهدین فلسطینی است . دولت سوریه باید باتعام قدرت خود و نیز با کمک قدرت از سایر دولت های اسلامی مقاومت اسلامی ملت فلسطین را تقویت و حمایت نماید . فکر نشود که با تشکیل دولت فلسطین کار تمام شده است هرگز ، البته ما با این معنا که هر مقدار که چه یک وجب از کشور غصب شده فلسطین از جنگ اسرائیل آزاد شود ، موافق هستیم ولی باتأکید و شناسایی اسرائیل به شدت مخالفیم . تشکیل دولت فلسطین باید گام اول و آغاز کار مبارزه با اسرائیل باشد و باید با امکانات و دولت تشکیل شده فلسطین به

برای شناخت ریشه این درگیریها و عوامل بوجود آورنده آن رجوع شود به مقاله معرفی محسن سلیم شماره ۳۸ راه مجاهد .

در شرایطی که استراتژیهای مختلف اعم از بازسازی ، توسعه اقتصادی و ... در کشور مطرح است ، طرح دوباره خط مشی آزادی قدس و قیام علیه اسرائیل نشان دهنده یابیندی ایشان به آرمانهای شهدا و شعارهای انقلاب اسلامی است .

نکته دیگر اینکه حال که بعضی جریانها ، دیپلماسی جدید رهبران فلسطین سنی بر ایحاد دولت فلسطین رایه باد لعن و نفرین میگیرند ، تأکید نکات مثبت این خط و تعالی آن در جهت تابدوی اسرائیل و باز گرداندن سرزمین غصب شده فلسطین باتاکید به قیامهای مردمی فلسطینیان بسیار قابل تأمل است .

کیهان
بخشی از پیام تسلیت خطاب به پدر دکتر سامی :
" مبارزات و فداکاری ها و فشارهای دوران ستشاهی آن مرحوم و مقاومت های او در برابر مزدوران چه در زندان و چه در شرایط دیگر که در راه پیشبرد و پیروزی نهضت اسلامی با دیگر همزمان خود متحمل شد هرگز فراموش نمیشود .

شکی نیست که ایادی مرموز استعمار و ضد انقلاب در صدور از زمین بردن و هتک شخصیت ها و جیره های مبارز و متعهد و یاسا فقه و مفید برای انقلاب و استقلال کشور میباشند و در برابر چنین جریاناتی توطئه آمیز هرگونه بی تفاوتی و یا سستی آگاهانه یا ناآگاهانه قهراً در مسیر اهداف دشمنان اسلام و استقلال کشور و احیانا موجب مشروعیت دادن به هرج و مرج و تشدید جو عدم احساس امنیت عمومی خواهد بود و مسئولین مربوطه نباید از عواقب منفی این جریانها متشکوک و خطرناک به هردستی که انجام میشود غفلت نمایند .

این جانب شهادت فرزند مبارزتان را که سالها عمر خود را در زندان های شاه گذراند به جنابعالی و تمام بازماندگان و منسوبین آن شهید محترم تبریک و تسلیت میگویم از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و حشر اولیاء اسلام و برای جنابعالی و دیگر بازماندگان محترم صبر و اجر مسئلت مینمایم .

اخبار ایدئولوژیک

فقه ، امام ، تمدن

خلاصه ای از سلسله مقالات تحت عنوان محمد حواد حجتی کرمانی تحت عنوان فقه ، امام ، تمدن ، تمدن جدید

اطلاعات
۶۷/۷/۱۴

اکنون موقع آن است که به صراحت بگوئیم باید در نحوه بهره گیری از منابع عظیم فقهی پر مایه ی اسلامی شیعی یک انقلاب و دگرگونی پدید آید و امام در حقیقت کلنگ اولیای ساختن عظیم فقه آئینده اسلامی رایه زمین زده اند . اطلاعات ۱۴ مه رماه

اطلاعات
حوزه های علمی ما نیازمند یک انقلاب فرهنگی هستند و جای شگفت فراوان است که در حالیکه ما روحانیون همه کاره ی مملکتیم و بسیاری کارهای بنیادی از ما ساخته است خودمان را و حوزه های علمی و مساجد و مراکز مختلف دینی را از یاد برده ایم . گویی بافت نهاد های علمی حوزه ای و مذهبی ما نیازی به تحول و بازسازی ندارد و خود بخود تکامل یافته اند .

اطلاعات
رستی بعد از انقلاب در باز ساختن حوزه های علمی و برنامه ریزی شکل و محتوایی این مراکز پاک و مطهر و منور چه کرده ایم ؟ شاید نتوان جز تاسف مد بیرت های شورایی حدید و نیز ثبت نام و تشکیل پرونده برای

مسئولین مربوطه نباید از عواقب منفی این جریانها متشکوک و خطرناک به هردستی که انجام میشود غفلت نمایند . آیت الله منتظری



جنگ و صلح

" برنامه های درسی حوزه های علمیه نیاز به يك دگرگونی بنيادی دارد و ديگر حالا آن زمان گذشته است که فارغ التحصيل حوزه ي علميه که اجازه ي اجتهاد گرفته است چشم و گوش بر همه پدیده های محيرالعقول عصرش بسته باشد و تنها کفایه ووسايل وکافی ابزار کار اجتهاد و استنباطش باشد و جز اقوال فقهای عظام گذشته و ابسود اع احتمالات چندگانه در فهم يك آیه يا روايت خاستگاه ديگری برای استنباط حکم خدا نداشته باشد .

طلبه و استاد ويکی دو کار جزئی وابتدائی ديگر کاری ديگر به عنوان کارهای شگولی جديد نامبرد و نیز در کارهای محتوای جزئی يکی دو درس تفسير قرآن و بانوجه به کم رنگی معلومات جديد جيز ديگری قابل ذکر نیست در مورد سابقه برخورد با مسائل جدید خاطرهای نقل می کنند :

" مرحوم محقق نخستین نماینده ي مرحوم آیت اله العظمی بروجردي در آلمان در یکی از سفرهایش که از آلمان به قم آمده بود در جلسه ای که به دیدنش رفته بودیم می گفت به آقای بروجردي گفتم ما در آلمان بسا مسیحیان آمدورفت داریم و ناگزیر از دعوت آنها و بازدید از آنهاستیم. در مسئله طهارت و نجاست چه کنم ؟ آقای بروجردي فرمودند آیت اله اصفهانی قائل به طهارت اهل کتاب بودند . گفتم مردم مقلد شمايند نظر شما چیست ؟ فرمودند : سخت نگيريد .

مرحوم آیت اله انگلی پی در حقه الاسلام سيد علی انگلی در منزلشان برای حقیر نقل کردند. به آیت اله بروجردي گفتم : شما چرا خرید و فروش را ديورا منع کرده ايد ؟ آیا واقعاً اشکالی دارد ؟ فرمودند اشکالی ندارد ، ولی من از این عرفین به سرها می ترسم .

در یکی از دوره های انتخابات شورای ملی سابق در زمان نخست وزیری مرحوم دکتر مصدق به زعامت سیاسی مرحوم آیت الله کاشانی بسیاری از روحانیون و روشنفکران مسلمان و متدینین رابه عرصه ي سیاست کشانیده بود و بسیاری از اینان گاند پيداای مجلس می شدند (و بسیاری هم به مجلس راه یافتند) به مقتضای فضای آزاد آن دوران در محافل و مجالس سیاسی و مذهبی در مورد شرکت زن در انتخابات بحث در گرفته بود. چون طبق قانون آن زمان زنان از شرکت در انتخابات (انتخاب کردن و انتخاب شدن) محروم بودند و امثال ماها در این باره کتاب و مقالاتی می نوشتیم و سخنرانی میکردیم تنها روحانی آزاده ای که در آن فضای فکری آن زمان به خودش جرئت داد و عقیده ي تقریباً منحصر بفردش را علنی ابراز داشت مرحوم راشد سخنور نامی و روحانی مشهور آن زمان بود که در مصاحبه ای که در روزنامه ها چاپ شد و غوغای فراوانی برانگیخت . اعلام کرد که در مدارک دينی چیزی دال بر حرمت شرکت زن در انتخابات وجود ندارد. این اظهار عقیده نامأنوس علنی البته برانزوای آن مرحوم در محافل روحانی و مذهبی افزود و حتی اعلامیه ای به امضای فدائیان اسلام تحت عنوان " راشد رابهنریشناسیم " برآمد او منتشر شد . آقای احمد شهاب شهاب بد اغلو در زندان بهمن میگفت: این اعلامیه را خود من نوشتم. ولی یاد رشادت راشد از ذهنها نرفت و چهره واقعی عمل مخلصانه او و سرانجام در جمهوری اسلامی آشکار شد . همین حالا که شما این خطوط را میخوانید کسانی هستند که نه راديو گوش می کنند و نه تلویزیون می بینند و نه با شرکت زنان در راهپیمائیه و نماز جمعه ها (تاجه رسد به مجلس و ...) موافقتی دارند ."

جگونگی مقابله با اشغال

کیهان ۶۷/۹/۱۵

حجت الاسلام خا منداي در گردهم آیی اشده جمع : "... عراقیها فعلا" بخشی از خاک ما را در اشغال دارند اگر ما بخوایم این نیروها را از بیرون کنیم . یعنی اینکه جنگ را شروع کرده ایم پس بهتر است که این نیروها را از طریق مذاکره بیرون کنیم بنده اول قطعنامه مربوط به خاک تمهنگ و رفتن نیروها به پشت مرزها می باشد درست است که با دیپلماسی تصد بیرون راندن نیروهای دشمن را از خاک کشور ما ن داریم ما نباید فراموش کنیم حضور همه ما نیزه اقتدار ملت اعم از روحانی، جوانان غیور و زمنده . . . ما را برای رسیدن به هدفمان یاری خواهد کرد .

راه مجاهد

این منطقی که با بیرون راندن دشمن ما را ک آغاز حرکت می خوریم نمی تواند ۹ سال دفاع مقدس را تبیین کند چرا که در این ۹ سال ما ولیقه شرمی ، ملی و قاونونی خود می دانستیم که دشمن را از خاک خود بیرون برانیم .

نقطه نظرهای لاریجانی در رابطه با

سیاست خارجی

قسمتهایی از مصاحبه روزنامه رسالت با دکتر لاریجانی پیرامون روند مذاکرات ژنو، اصول سیاست خارجی ، امنیت و دیگر مسائل منطقه ای ایران

لاریجانی : اولین اصل مهم در سیاست خارجی ما مبارزه مداوم با کفر است یعنی کفر ستیزی . در راهد افامریکا تسلط بر ما يك هدف بسیار مهمی میتواند باشد اما کشورهای ديگری مثل چین ، ژاپن ، آلمان و ایتالیا وقتی با ما معامله میکنند در صد تسلط بر ما نیستند . منافع مشترک روابط را هدایت میکند آنها به انقلاب و حاکمیت ما احترام میگذارند و به ارزشهای ما کاری ندارند .

راه مجاهد

سیستم اقتصادی امپریالیزم جهانی بسرکردگی امریکا امروزه بصورت شرکتهای چند ملیتی عمل میکند و در پای کشورهای استثمارگر در جای جای معطلات جهانی میتوان دید در تانسی برای کشورهای غریب صرف استفاده مادی مطرح نیست بلکه آنها در صد ورتکولژیستان ورود فرهنگ مصرفی و اخلاق غریب را هم می بینند و گر نه دشمن بحال کشورهای جهان سوم

نسخته است بنابراین باید مواظب باشیم امریکارا صرفاً حفرانیایی نبینیم .

لاریجانی : اینکه مردم به روابط انگلیس حساسیت دارند نشاندهنده علاقه مردم به استقلال ملکت شان است و نمی خواهند سلطه خارجی به هر نوع و از طرف هر کشوری محدوداً در کشور مستقر شود این خیلی ساده انگاری و شاید احمقانه باشد اگر کشوری دست دوستی بسوی ما دراز کرد و به ما احترام گذاشت و حاضر شد که سیاستهای غلط گذشته را حبران کند و مانع از او را در کنیم از مدتی قبل اینها اظهار تمایل کردند که نسبت به انقلاب و کشور و حکومت تجدید نظر کنند و قدمهایی نیز برداشتنند .

راه مجاهد

اگر مسئولین جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب بانیهوهای داخلی و کسانی که از نظر فکری سیاسی اختلافاتی با آنها داشتند به شیوه ای که بادولتهای خارجی برخورد میکنند برخورد میکردند جامعه ما به سمت خود گفایی در جهات اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و . . . پیش رفته و کمتر نیازمند کشور های اجنبی میشدیم امید داریم پس از این در این جهت گامهایی برداشته شود .

لاریجانی : حقیقت در سیاست برعکس علوم و فلسفه که مطلق هست يك امر اعتباری است و وقتی که حقیقت قرار دادی و اعتباری میشود میتوانیم برای حقیقت پیشنهاد داشته باشیم بنابراین اگر بخوایم آنچه را که در صحنه بین المللی اتفاق می افتد بفهمیم باید يك مقداری آن درینامیکی را که پشت حرکتها وجود دارد مورد توجه قرار دهیم .

راه مجاهد

شهید مدرس معتقد است که : سیاست ماعین دیانت ماست و دیانت ماعین سیاست ماست و اصولاً در ایدئولوژی اسلامی پدیده ها از قانونمند بیهای متفاوت پیروی نمیکنند و اینطور نیست که ما از روابط اجتماعی قوانین مان را انتزاع کنیم ، ما در بررسی پدیده ها باید از خدا شروع کرده و ربط آن پدیده را با خدا در آوریم . بنابراین دیگر حقیقت در سیاست با حقیقت در علوم و فلسفه تفاوتی پیدا نمیکند و دارای يك منشأ الهی واحد میباشند.

راه مجاهد

لاریجانی : بعد از قبول قطعنامه امریکا و غرب برای منافع خود در منطقه سه سناریوی احتمالی در نظر دارند : یکی اینکه عراق را از طریق تطمیع و وعده و وعیده هابه تمکین وادارند و سعی کنند دلش را به دست بیاورند تا از شرش در امان باشند و خوب این خیلی راه مجهولی نیست . دوم اینکه بیايند ایران را مهار عراقی قرار بدهند در صفحه ۹

ادامه راه خدا هوشیاری می خواهد ، صداقت و احساس مسئولیت میخواهد پس بر شماست که از اشتباهات درس بگیرید . شهید حینف نژاد



جنگ و صلح

بقیه از صفحه ۸

نظراتی پیرامون

برخورد با زندانیان

کیهان

۶۷/۹/۲۰

آیت الله موسوی اردبیلی در پاسخ به سئوالی در مورد نتایج افزایش اعدام گروهکهای محارب:

"افراد زیادی از آنها محاکمه شده بودند و حکمشان تا شید شده بود، اما به خاطر عوامل عادی و اینکه تا آخرین مرحله فرصت توبه و بازگشت به آنها داده شود، اجرای حکم به تعویق می افتاد. اما متأسفانه این افراد به تنهایی اصلاح نشدند بلکه از طرق مختلف در زندان دست به تحریکاتی زدند که ایمن تحریکات پس از عملیات مرگبار خود رسید و به این ترتیب عناد خود را به اثبات رساندند. آدم محکومی که حکم محکومیتش تا شید شده و به او نیز فرصتی برای اصلاح شنید داده اند تا راه در زندان ما مور زندان را کتک میزند.

راه صحیح:

در رابطه با اعدامهای اخیر از اعضا و هواداران گذشته و کنونی جریان انحرافی رجوع نقطه نظرهای مختلفی درجا معه وجود دارد:

برخی به این اعتقادند که تمامی کسانی که با جریان محارب و تروریست رجوع همکاری فعال داشته اند اعم از کادر، عضو تشکیلاتی و هوادار فعال، حکم محارب با خدا و رسول و حکومت اسلامی را داده و جزای آنها طبق آیه "انما جزا الذین یحارون الله ورسوله ان یقتلوا او یصلبوا و..." اعدام می باشد، آنها قتی که تا به حال اعدام نشده اند با میده ایت و اصلاح در زندان نگاه داشته شده اند. حال که از اصلاح آنها نا امید شده ایم حکم اصلی آنها تا بدحاری شود و این اعدامها به این دلیل انجام پذیرفته است.

برخی انحراف هواداران رجوع را مسئله فکری - بینشی و تاریخی میدانند و معتقدند که انحراف برخی و استقامت بسیاری از اینها بر موانع انحرافی خودنا شمی از شیوه های غلط مادر داخل و خارج از زندانها و ضعف مادریا سخگویی به مسائل فکری آنها بوده است و برخورد تند و شدید در شرایط فعلی باعث پیچیده تر شدن مسئله شده و موجب گسترش بیشتر این جریان و تبدیل شدن به یک مسئله بزرگ اجتماعی میشود.

برخی بر این اعتقادند که هنگامیکه مسئولین نظام جمهوری اسلامی اطلاع حاصل نمودند که قرار است در توطئه ای مشترک و با توافق و پشتیبانی شهروی ارتش عراق با سایر دیگر جنوب کشور و مناطق نفتی را تصرف کنند و نیروهای رجوع نیز غرب را مورد حمله قرار دهند و از ضعف و فتوری که بدلیل عقب نشینی فآ و و شلجمه در سپاه و ارتش ایجاد شده است سوء استفاده نموده، ضربه شدیدی به نظام جمهوری اسلامی وارد آور بود در صورت امکان رژیم اسلامی را ساقط نمایند، به این

بدهند، برای تحقق این امر و شرط لازم است یکی اینکه ایران روابطش با کشورهای منطقه معتدل تری شود ماباهم کشورهای منطقه رابطه خوب داریم و فقط کویت و عربستان هستند که مشکل داشتیم با کویت رابطه مان تا حد زیادی خوب شده و سفارتشان در تهران مشغول فعالیت شده فقط عربستان مشکل داریم که این یکی از مشکلات ایمن سناریوی غرب است.

دوم اینکه ایران و غرب تفاهم بیشتری در مسائل مهم منطقه و در روابط خودشان داشته باشند و این تفاهم از طرف است و یکجانبه نیست یکی از طرف ایران است که به اصطلاح آنها سرسختی خودش را نسبت به غرب حل کند (تا کید میکنم که اینها را درم از موضع غرب و از دید آنها بررسی میکنم) بخش دیگر از طرف غرب است یعنی غرب و مخصوص آمریکا نسبت به ما و انقلاب و چارت خاص هیستریک و غیر معقول هستند و خود اینها از این وضع رنج میبرند.

سناریوی سوم غرب و آمریکا که شاید هم خیلی خوشبینانه باشد ولی برای خیلی ها هم قابل طرح میباشد این است که سیاستمداران غربی در مورد منطقه نگرهایی بکنند



مثلا در عراق بتوانند یک حکومت خوبی برای منافع غرب روی کار بیاورند که هم منافع غرب را تضمین کند و هم روابط خوبی با ایران و سایر کشورهای منطقه داشته باشد عملی کردن این سناریو مشکلات لجستیک زیادی دارد بدین معنی که در عراق تنها غرب نیست که منافع دارد شوروی و بلوک شرق هم در آنجا پایگاه های وسیعی دارند بنابراین این هم یک چیز ساده ای نیست که حالا احتمالا عملی شدنش باشد یا نباشد. در هر گام از این سناریوها هر عملی که سبب شود عراق دستش برای تشنج آفرینی در منطقه قویتر شود.

برای غرب مردود است.

راه صحیح

بهبود آقای لاریجانی قبل از اینکه مواضع غرب را در مورد منطقه بگویند مواضع خودشان و سیاست جمهوری اسلامی را بیان میکردند. چون وقتی تحلیلی از زبان جناحهای غرب و شرق بیان میشود بیشتر برای کشورهای جهان سوم این چنین تصور میشود که دیگر راهگریزی از سر نوشتی که آنها برای ما رقم زده اند وجود ندارد.

بر تحلیل خود میگیرند و معتقدند که این گونه اعمال هر فردی تعصب را هم به این جمعیتی می رساند که: "اینها (نظام اسلامی) هم دست پرورده همان استعمارگران هستند، جوان روزنامه فروش را که با انگیزه ضدیت با امپریالیسم فعالیت کرده و جذب جریان انحرافی شده اعدام می کنند ولی هم زمان سفارت جاسوس خانه انگلستان با زکشافی می شود.

برخی بر این اعتقادند که گرچه اعدام اعضا و هواداران فعال این جریان انحرافی بدلیل جاسوسی برای دشمن و همکاری با یک جریان محارب و قرا رگرفتن در دل یک توطئه آمریکائی، از لحاظ ظرفی - قانونی و فقه موجودا مرموجهی است (بر فرض اینکه در این امر تندروی نشده باشد و بعلت کم کیفیتی افراد انحرافی و تصمیم گیر حسب و بعضی های شخصی و کوتاهی اندیشی ها و عدم تشخیص مصلحت ها هم در قضیه موثر نبوده باشد) لیکن بدلیل بکار گرفته شدن شیوه های غلط و غیر اسلامی در رابطه با این جریان از جانب جمهوری اسلامی در سابق، جمهوری اسلامی خود در به موضع انداختن این افراد نقش داشته است لذا جاسوسی افراد این جریان را نمی توان مانند جاسوسی افراد مزدور و بره حساب آورده و محارفات آنها را برای این افراد در نظر گرفت. این جریان اهم شیوه های غلط بکار گرفته شده در ارتباط با این افراد را به قرار ذیل میداند:

برخی معتقدند که جریان نفوذی تحت عنوان حفظ ثبات نظام جمهوری اسلامی مسئولین کشوری را به خط انجام این اعمال می اندازد.

۱ - نفی ارزشهای تاریخی موجود در این جریان مانند نفی ارزشها و دستاوردهای ایدئولوژیک، نفی و توهین شهدای پاکخته مهادین قبل از انقلاب، نفی مطلق آثار مثبت فعالیت های مکتبی و ضد سلطنتی مجاهدین در خلال سالهای حقیقان شانه ها.

۲ - حذف کامل افراد این جریان از نظام اجرایی در سالهای اولیه پس از انقلاب در حالیکه این افراد در براندازی رژیم طاغوتی سابق نقش داشتند.

۳ - بکارگیری شیوه های غلط و غیره قانونی در حین دستگیری، ضرب و جرح و توهین و شکنجه در ضمن بازجویی و نگهداری کردن شخصیت آنها در طول مدت بازداشت، محروم کردن آنها از برخی حقوق اجتماعی پس از آزادی از زندان و برخورد غلط با خانواده ها و بستگان آنها و...

۴ - عدم کلامی بی جمهوری اسلامی در سیاستی به برخی از شعرا و اصول انقلاب و وفانکردن به قولهایی که به مستضعفین داده شده بود. مانند آزادی بیان، ممانعت از اجرای نوایح انقلابی در جهت تعدیل اختلافات طبقاتی - وجود تبعیض در کنار رشد

جمعیتی رسیدند که با عناصر این توطئه می یابست به شدت برخورد نمایند و بپذیرش قطعنامه، بسیج نیرو برای عقب راندن عراق از جنوب، عملیات مرگبار در غم غرب و اعدام اعضا و هواداران روحیست ها، تنوذهای ها و چریکهای اکثریت در این راستا است. بپذیرش قطعنامه به این دلیل انجام پذیرفت که حمایت بین المللی از خط توطئه قطع شود و برخورد قاطع و قوی با جریان رجوع و سمیاتیهای شوروی در ایران با هدف قطع امیاد استکبار را وجود نیروی جایگزین در ایران بعمل آمد.

برخی میگویند که تمامی اعضا و هواداران فعال رجوع، بعلت همکاری با رژیم متحارب و عراق حکم ستون پنجم را دارند و همین دلیل محارفات همه آنها اعدام می باشد، زمان اجرای حکم را هم فرماتده جنگ تعیین می کند. هنگامی که توطئه آنها در جریان تھا و زموسوم به فروغ - حا ویدان به حد اکثر خود رسید تصمیم به اجرای حکم در مورد آنها گرفته شد.

برخی بر این اعتقادند که ممکن است که اعدا مهابدلیل فوق به اجرا درآمده باشد لیکن تندزویهای زیادی در جریان اجرا و نحوه تشخیص هواداران و اعضا فعال (اصطلاحا) افراد سر موضع) بعمل آمده است که از دایره حکم اصلی خارج شده است.

برخی بر این اعتقادند که اعدام اعضا دستگیر شده رجوع در جریان تھا و به شهرهای غرب کشور ممکن است از جانب افکار عمومی امر مورد قبولی باشد. لیکن اعدام زندانیان سابق این جریان مطابق با افکار عمومی مردم نیست و حیثیت جمهوری اسلامی را خدشه دار می نماید. این جریان معتقد است که اعدام زندانیان سابق اعتبار احکام قضائی ما را - که احکام سابق را هافر کرده است، خدشه دار می نماید.

عده ای معتقدند که همانگونه که در دوران استالین فردی بنام "بریا"، که بعدا "معلوم شد جاسوس انگلیسی بوده است در مقام وزارت کشور، تحت پوشش "حفظ امنیت ملی بزرگترین و اولین پایگاه سوسیالیسم در جهان" دست به کشتارهای بزرگی زد و به این وسیله هم پایگاه مردمی استالین را به شدت کاهش داد و دوم در این بین بسیاری از انقلابیون را تا روما رکرد و زمینه تسلط انقلاب اکتبر را کور نمود. در ایران نیز این کشتارها توسط جناحی نفوذی انجام می - شود که بیشترین ضدیت را با انقلاب و جمهوری اسلامی داشته و در صدد است که پایگاه مردمی امام و مسئولین اصلی جمهوری اسلامی را در بین مردم کاهش دهد و بخش بزرگی از جامعه را به انفعال و ضدیت با نظام بکشاند. این عده معتقدند که جریان نفوذی، تحت عنوان حفظ ثبات نظام جمهوری اسلامی، مسئولین کشوری را به خط انجام این اعمال می اندازند این عده همزمانی برقراری روابط با کشورهای استعماری و این اعدا مهابا شاهی

انحراف را با انحراف نمی توان مستقیم کرد. امام خمینی

خون در پیچ و خم زندگی خود به فراموشی سپرده شوند. افراد مو من و معترض نسبت به بعضی برنامه ها و کارهایی که به مصلحت نظام و انقلاب نیست قطعا بهتر است از افراد مطیع غیر مخلص و پله قربان گو که در مقابل کارهای خلاف مصلحت نظام و انقلاب هیچ اعتراضی نکنند و نمیکنند چرا که او به مصلحت خود می اندیشد و برای حفظ خود نیست. و مقامش و ارتقا خود و به مصلحت انقلاب و حفظ نظام و ترقی کشور و ملت.

ضرورت کار روی بحثهای اقتصادی
شهید مطهری

کیهان
حیدری نماینده تفرش
۶۷/۲/۱۲

"ب... شهید مطهری درجهان سرمایه داری و کمونیستی امروز بسیاری از مسائل را بعنوان مسائل مستحدثه یاد می کند و حل آن برای جهان اسلام نیازمند به کار و تلاش بی وقفه مجتهدین است آگاه به مسائل روز و زمان می داند. ای کاش آن روزی که بحثهای اقتصادی این شهید مطرح شده بود به جای تلاش در جلوگیری از انتشار آن بزرگان و علما و فقهای عالمی مقام آن بحثها را با نقادی موشکافانه خود راهگشای حل معضلات نظام اقتصادی کشورمان و تبیین صحیح آنان قرار میدادند."

حنگ تحمیلی پرونده سیاه در تاریخ ایران دارند برای ماعدالت بهارمغان خواهد آورد؟ تجربه زهربرینگر اجتماع و در تمام شریانها سرازیر شدن عواقب بسیار وحشتناکی دارد.

نگرانی از عملکرد برخی رادگاههای انقلاب
کیهان
آقای نماینده فسا
۶۷/۸/۱۹

... ما اگر بگوییم که برای آب آشامیدنی یا کالاهای اساسی پول ندارند از ما قبول می کنند ولی نمیتوانیم بگوئیم که بدلیل عدم وجود ارز ساله خان و خاننیزی را حل نکردیم. عبداللهمخان قوامی که از تبار قوامی استان فارس با زوی نظامی حسام الدوله در زمان قاجار من باشد، در سال ۵۹ شهید فقیهی. حاکم شرح ادگاه انقلاب زمینهای او را صادر کرده ولی در سال ۶۴ رادگاه اصل ب ۴ استان فارس حکم را لغو مینماید. حالا عبداللهمخان به جان مردم افتاده و زمینها را برای چندمین بار به قیمتهای گزاف به مردم منطقه می فروشد.

مصلحت نظام در جذب افراد مو من
معتضرت است تا اشخاص مطیع غیر مخلص

کیهان
ناصری نماینده زنجان
۶۷/۲/۱۲
امام در منشور و انقلاب میگویند نگذارید انقلاب بدست نااهلان و نامحرمان بیفتد، نگذارید پیشگامان شهادت و

دارد اما پیاده نظام ندارد یعنی اهداف را بخوبی تشخیص میدهد و نشانده گیری می کند اما نیروهای پیاده که لازم است برای فتح قلمرو نشانده گیری شده حرکت کنند در اختیار ندارند.

اهمیت محور تولید و کشاورزی در دوره بازاری

رشیدیان نماینده آبادان
۶۷/۸/۳
محور بازاری باید کشاورزی و دامداری باشد و در این رابطه باید هیئت ۷ نفره واگذاری اراضی را تقویت کرد و قوه قضاییه با این هیئت همکاری بیشتری نماید و مجلس نیز برای بازگذاشتن دست هیئت ۷ نفره قوانینی بگذارد.

هوشیار باشیم تا تدوین "به دامن غروب تلخ زیم"

... کشورها و انقلابها و شخصیتهایی که ابتدا دامن مبارزه با آمریکا را داشته اند و بعدا "به دامن آمریکا غلطیده اند یکباره آمریکا بی نشده اند بلکه بتدریج از اصول و اهدافشان کوتاه آمده و قریب شیطان را خوده اند. ملت باید هوشیار باشد که به بهانه بازاری و سیاست درهای با زو عدم انزوا، آمریکا به کشورها بازنگردد.

نگرانی از عملکرد برخی
دادگاههای انقلاب

گروسی نماینده تهران

رادگاه انقلاب اصفهان او اواخر سال ۸۵ سینماهای اصفهان را به نفع بنیاد شهید صادر کرده پس از ۹ سال رادگاه محدود را یکی از سینماهای راکه لحن ترین فیلمها را ارائه میداده سینمایی که تحت نظر استان اصفهان و فرهنگ و هنر آن زمان که اعدام شدند و ساواکی بوده و حتی فیلمها را که آن موقع سینماها ارائه نمیدادند و حرمت نمیکردند این ارائه میداده است برای مبارزه کردن با روحیه مذہبی معتزاز اصفهان پس از ۹ سال رادگاه این سینما را به صاحبش برگردانده و باید لحاحست و خود سری آمده سینما را تحویل گرفته. من بحث یک عدد سینمای شهر فرنگ اصفهان و عملکرد رادگاه ویژه اصل ۹۴ قانون اساسی را نداریم. این راهبردها شورایی عالی قضایی مصلحت میدادند، اما نگرانی هست که این رادگاهها و بعضی حکام شرع که حداقل آن شناخت کافی دارند این کارها را شروع کنند، همانطور که گوشه و کنار شده و پس از سالها زحمت و تلاش سینمای سوخته شده ای که احیا کردند به صاحبان غاصب و غیر واقعی اش برگردانده شود و نگران این هستیم که این روال ادامه پیدا کند و کارهای برسد که کم کم ورته هژبر و القانی بیایند و اموالش را بخواهند.

ارتباط عادلانه

با

جاری ساختن جرعه زهر بر پیکر اجتماع

رسالت
صیقلی نماینده لنگرود
۶۷/۹/۲۱

... کدام قرارداد اقتصادی بسود کشور مایوده است؟ کدام اهرم اقتصادی، سیاسی، نظامی در دستماست تا بتوانیم احساس قدرت و شخصیت کنیم؟ آیا ارتباط عادلانه با بعضی از کشورهای گذشته و حتی در زمان



اقتصاد ایران و بازسازی

ضرورت تدوین مبنای اقتصادی اسلامی تحت نظارت مستقیم امام

عیسی ولایی نماینده تهران ۶۷/۸/۱ :
"... به ما م عرض میکنم، مشکلات اقتصادی و نسبی اصول اقتصادی ساز به شکست خیلی از باورها و رده در ذهنها رسوخ کرده است و این شعاع و قدرت را غیرا شخص شما هیچکس ندارد. پس از گذشت ۱۵ سال از انقلاب و دادن این همه شهیدها معاین آمادگی و حق راداد رده شما دیدگاه اقتصادی خود را با تشکیل گروهی از علما و دانشمندان و اقتصاددانان اسلامی و آشنایان به اقتصاد شرق و غرب هدایت مستقیم آنها دیدگاه اسلام ناب محمدی را در امور اقتصادی به جهانیا ن عرضه کنید و یقینا "با این کار خلوی خیلی از اختلافات فرزندان انقلاب را خواهد گرفت و گرچه همه آخوندهای بیسواد و مقدس نماهای حق و دشمنان آگاه و فرصت طلبها متحدتر میشود اما به همان نسبت همه طرفداران انقلاب که بغا طرمشخص نبودن مسائل اقتصادی مقابل عم جبهه گرفته اند متحدتر شده و یقینا "از سر غوردگی جوانان و قشوقا داره انقلاب طلوعی خواهد شد. اگر دیدگاه ما مدرراطه مالکیت و کنترل آن از طرف دولت، مشخص باشد یا بیعبارت در دست "مدون" باشد، زمانیکه حبت از نظارت و کنترل دولت می شود هیچ مس بخود اجازه نمی دهد بگوید همه چیز را باید ولتی کرد و اصولا وجود بخش خصوصی فاجعهای برای انقلاب است و زمانیکه بای، واگذاری کار به مردم بمیان میاید بگویند مردم آزادند نمها را با ارز خود وارد کنند و بدون قیمت گذاری و نظارت دولت بفروشند حسنین هیکل و زمانه نگار رمضی حرف صحیحی دارد که میگوید: "ما مخمینی توپخانه سنگین در اختیار

بقیه از صفحه ۲۵

پاسخ به خوانندگان

س - شما در پاسخ های گذشته دلیل آزادی خلق ما را تضاد های موجود با صدام و آمریکا و اسرائیل دانسته اید. این در حالیست که خودتان می گوید تضاد اصلی در شرایط فعلی صدام و آمریکا و اسرائیل نیست.

ثانیا "آیاتوجه دارید که از درگیری شما با صدام جلوگیری میشود پس آیا این تعریف شما را باید در اسارت دانست؟

ج - اگر یادتان باشد سؤال شما این بود که ملاک اسارت و آزادی خلق چیست؟ گفتم اگر مردم در مبارزه با ظلم و تحقق عدل طلبی آزاد باشند طبعاً در اسارت نیستند و لسی اگر در تحقق این نیاز فطری تحت فشار و محدودیت قرار گیرند در اسارت اند. مثال جامعه آمریکا و خودمان را زدیم.

امادرسؤال قبل توضیح دادیم شیوه های غیراصولی که گفته شده در پیرویه درون انقلاب و محتوی انقلاب است. از آن میشود استفاده کرد که تضاد اصلی آمریکا و اسرائیل نیست. مگر آمریکا و اسرائیل مظهر همین شیوه های کثیف و ظالمانه نیستند؟ مگر ما آمریکا دشمنی شخصی داریم؟ اگر عوایی هست بر سر همین روشها و کردارهای ضد انقلابی ضد اسلامی است.

در مورد محدودیت اسارت نسبی استعداد های ما و امثال ما عدم استفاده از بسیاری استعداد های نهفته در نیروهای انقلاب مگر شما منکر این واقعیت هستید؟

شما سیر سؤال خودتان را باید آورید. اول پرسیدید اصلی ترین تهدید برای انقلاب چیست؟ پاسخ دادیم شیوه های غیراصولی در همه زمینه ها.

بار دیگر پرسیدید پس ضرورت ادامه جنگ چیست؟ شاید ناخود آگاه نظر شما این باشد هر چیز که موجودیت ما را تهدید کند همان دشمن اصلی است و باید با آن جنگید.

وقتی میگوئید انقلاب راشیوه های غیراسلامی تهدید می کند، ادامه جنگ را بیپوده می پندارید. ولی اگر مبارزه را از تکلیف الهی و رسالت مکتبی در آوریم موجودیت و نظام و تشکیلات خودمان محور نمی شود. در غیر این صورت اگر در مقطعی امپریالیسم و صهیونیسم بنا به اضطرار موجودیت ما را بپذیرد دیگر دشمن اصلی نیست و باید با آن سازش کرد. رجوی با همین منطق بجایی رسید که آمریکا و اسرائیل را دشمن نمیداند، خودش را محور می گیرد و هر کس او را تهدید کند دشمن شماره یک خلق قلمداد میشود و هر کس تأییدش کند مترقی و انقلابی بشمار میرود. وقتی میگوئیم چه چیز انقلاب را تهدید میکند؟ اگر منظور گیان و محتوی مکتبی و ارزشی انقلاب است جواب همان است که عرض کردم.



با پول نفت نمی توان انقلاب را حفظ کرد

بیشتر نفتی

می اندیشند .

بیشتر نفتی چیزی است که در روح و روان و تمام سلولها و بافتهای مردم این مملکت و خصوصاً مسئولین آن ریشه دوانیده است و عصاره این تفکر عبارت از تعطیل زحمت و تلاش و تفکر است . این بیشتر خلاف تفکر کشورهای مستقل است یعنی بیشتری که بر این اعتقاد است که يك کشور

و هر دو در خط ضد تولید پیش رفتند مسئله اصلی ما تغییر اندیشه است . انتقال از بیشتر نفتی است به بیشتر تولید و کار و خلاقیت و وحدت و خلاصه حرف اینها این بود که با پول نفت انقلاب را نگهداریم . گویا انقلاب را با پول نفت خریده بودند هیچ به این نکته توجه نکردند که این سیاست موجب سقوط قاجار شد و پهلوی را نیز سرنگون کرد زیرا اولاً نه از این طریق امکان اشباع بازار وجود دارد و نه امکان جلب رضایت مردم است و هر چه مصرف را ارضایند بیشتر تحریک میگردد . و در ثانی مگر شما حاکم فروش در بازار نفت هستید که آنرا تنظیم و اداره کنید . خود این يك مسئله است . ثالثاً مگر حجم صادرات به اختیار شماست .

خلاصه حرف اینها این بود که با پول نفت انقلاب را نگهداریم ، گویا انقلاب را با پول نفت خریده بودند ، هیچ به این نکته توجه نکردند که این سیاست موجب سقوط قاجار شد و پهلوی را نیز سرنگون کرد .

و رابعاً آیا قیمتگذاری نفت بدست شما است و آیا پولی که با آن نفت را معاوضه میکنید مگر انتخابش بعهده شما است ؟ و خامساً مگر نرخ دلار و تعویض آن را شما تعیین میکنید ؟ همه این عوامل بدست شماست هم داده و ۷۰ سال است که ایران را طفیلی نفت کرده است و مشکلات زیادی هم بوجود آورده و اگر این سیاست ادامه یابد هم همین بدبختی خواهد بود و همانطور که جنگ را نیز تحت تاثیر قرار دادند .

و يك صنعت با تلاش مردم مشربا کار با کوشش با زحمت با فکر ساخته میشود . به قول انیشتن " فکر کردن سخت ترین کار برای بشر است " و بیشتر نفتی علاقهای به فکر ندارد وقتی که فکر ندارد اگر کاری هم بکند کارش بدر نمیخورد ، چون امروز نیشه ها خازم اندیشه هاست و بسازوان فرمانبران عقل اند و این کار هم از بیشتر نفتی نمی آید . در نتیجه همیشه اداره مملکت را مردم رها میکنند بدست خندان و چون این اندیشیدن به مراتب برای مسئولین نیز سخت است ترجیح می دهند که مستشاران خارجی برایشان فکر کنند و برنامه بدهند یعنی چه ؟

۰۰۰۰ اینها نمی دانند که آمریکا امروز از روی مکانیزم بازی با نرخ بهره و مسائل دلار و بهای مواد اولیه و وابستگی کشور های دنیای سوم ، مشکل بودجه های جاه طلبانه و کسری های ۲۵۰ میلیارد دلاری خودش را حل می کند .

قسمتهای کمی از سخنرانی آقای مهندس عزت الله سحابی را که در بزرگداشت مرحوم آیت الله طالقانی ایراد داشته اند به دلیل اهمیت آن می آوریم .

" . . . در آغاز جنگ ما میخواستیم بودجه جنگی بنویسیم ولی همین آقایان مانعست کردند و می گفتند شما می خواهید ناراضی ایجاد کنید و زیر بار آن نرفتند و هوادار بودجه مصرف بودند و همین هواداران بودجه مصرف می گفتند باید هر چه زیادتر نفت صادر کرد و کالا در جامعه ریخت تا ناراضی ایجاد نشود و در نتیجه یکصد میلیارد دلار و یک هزار و چهارصد تومان را به همین ترتیب تلف کردند و ناراضی را هم به سر نهایت کشیدند .

امروز این بودجه بیش از زمان شاه به پول نفت وابسته است . عده ای در سال ۵۹ و ۶۰ می گفتند که بودجه را به طریق سی بنویسیم که کم کم از نفت خلاص شویم و شبکه تولید داخلی را سامان دهیم و . . . آنها بعنوان ضد انقلاب معرفی شدند و آنهایی که معتقدند بیشتر بفروشیم و بیشتر بخوریم بعنوان انقلابی مانده اند و چون نفت کفاف نمی کند به قلع و روی و مرم و سنگز و طلا و سرب و زغال سنگ مثل زمان ناصر - الدین شاه و قرار داد روبروی آوردند و مردم را هم که می بینید که چه وضعی دارند .

۰۰۰۰۰ متأسفانه این سیاست صدور هر چه بیشتر نفت و ریختن هر چه بیشتر کالا در جامعه از طرف هر دو جناحی که امروز به عنوان چپ و راست یا طرفداران اقتصاد دولتی و اقتصاد بازار عنوان میشود اینجاست که من می گویم مسئله اصلی امروز کشور ما این نیست که اقتصاد دولتی باشد یا بازاری ؛ هر دو به تجارت و خرید خارج

یعنی اینکه متخصص خارجی بیاورند دلار بیاورند ابزار بیاورند و نفت را در آورند ، تصفیه بکنند و بعد کسی که این همه کار را انجام دهد دیگر چیزی از آن را به ما نمی دهد ، کسی که از يك چنین قدرتی فکری و علقی برخوردار باشد هیچ ضرورتی ندارد که تاوان به يك چنین ذلیلهایی بدهد و می بینید که نمی دهند .

همین کار دولت ، بقول خودشان عملاً دولت را از سال ۶۵ فلج کرد و زیربنای امور را از هم گسیخت . يك علت اینکه یکمرتبه در سال ۶۷ قطعنامه رایذ بفرستیم از جهت داخل همین مسائل بود . چون از بدگاه خودشان اقتصاد صفر شدند . در آمارزی وجود نداشت و این تمه را نیز باید بابت اسلحه میدادند . و ظرفیت صنایع بین بیست تا چهل درصد زیر ظرفیت تولید داشت و این نتیجه آن " بفروسیم و بخوریم " شد و اگر فکر تولید و سازندگی بودند قطعاً این طور نمی شد .

بیشتر نفتی علاقهای به تفکر ندارد . . . در نتیجه همیشه اداره مملکت را مردم رها میکنند بدست چند تنی و چون این اندیشیدن به مراتب برای مسئولین نیز سخت است ترجیح می دهند که مستشاران خارجی برایشان فکر کنند و برنامه بدهند

بقیه از صفحه ۹

نظراتی پیرامون برخورد با زندانیان فراینده تورم ، رشد شیوه های رفاهی در زندگی بسیاری از مسئولین (این مسئله در آدهان جوانان این جریان که به عدالت اقتصادی اهمیت فراوانی می دهند آثار بسیار نامطلوبی می گذارد) محکوم کردن مسئولان تشکیلات انحرافی رجوی بدلیل همان کارهایی که خود انجام میدهند . مانند : مذاکره با آمریکا تنها همکاری و تماس با نظامیان ارتحای عرب و . . .

- برخی معتقدند که از نظر حقوقی تا حرم انجام نشده است کسی را نمیتوان محازات کرد . به اصطلاح قصاص فعل از حیثیت جایز نیست ، صرف اعتقاد دلیل لازم برای محازات فرد نمی شود ، لذا صرف رموضع بودن دلیلستی بر جاسوس به حساب آمدن اینها نیست و آنها را نمیتوان به این دلیل اعدام کرد .

- برخی معتقدند که از نظر حقوقی از مرحله تصمیم گیری تا اقدام عملی تماماً " جرم محسوب می شود کسی که عضو سازمانی جاسوس بوده و با مقدمات جاسوسی را فراهم می آورد یا این کار را تأیید می کند جاسوس بوده و میتواند آنها را به این دلیل محازات کرد

گزیده ای از اطلاعیه نهضت آزادی در رابطه با اعدامهای اخیر

نهضت آزادی ایران در دیماه گذشته اعلامیه ای تحت عنوان " از دست بی قانونی ها ، بیدالتها و سیر جمعیها بدهایا بتوبیانه میبرم " منتشر کرده است . در این

اعلامیه به سیاست اعدامها و اعمال خشونت در زندانها انتقاد شده است .

در ابتدای این گزارش از رجوی و مارکسیستها و محکوم نمودن آنان ، از اینکه ملل غیر مللمان مدافع حقوق انسانی اتباع ایرانی شده اند و به حکومت اسلامی در سر رحم و انسانیت میدهند ابراز تأسف و تأثر کرد .

در ادامه مینویسد " اگر این اعدامها مطابق شرع و قانون اساسی انجام گشته چرا در سکوت و بی خبری و در پشت درهای بسته اجرا شده است . چرا خانواده های اعدام شدگان تهدید شده اند که مبادا گریه کنند ، سیاه بپوشند و با مجلس ختم تشکیل دهند ؟ " . . . انگیزه اعتراض ، کشتار گسترده اسرایی از هموطنان است که در سالهای گذشته در دادگاههای همین رژیم و با احکام همین حکام شرع به محکومیتهایی کمتر از اعدام حتی یکسال و دو سال محکوم شده و بعضاً روزهای آخر اسارت خود را می گذرانند و خانواده هایی قیل از تحویل ساک و لباس خونین خانه را برای ورود آنها توب و حارو کرده بودند " .

" سخن از اعدام کسانی است که در آستانه انقلاب عمدتاً نایالغ بوده و چشم شخص خود را روی عملکرد حاکمان امروزی باز کرده اند ، آیا در کشیده شدن این جوانان به

راههای خشونت آمیز انفعال و انهدام و توحیبهی که برای شدت عمل خود پیدا کرده اند ، انحصار طلبی ها و خشونت های متقابل در داندنشانها و زندانها و در سطح جامعه موثر نبوده است ؟ " .

در این اعلامیه سپس سخن آیت اله اردبیلی مورد انتقاد واقع شده و سئوالاتی پیرامون آن مطرح شده است . و در پایان مینویسد : " . . . انگیزه اصلی این اعدامها خلاص شدن و نفس راحت کشیدن از نیروی مخالف بالقوه ای بوده است که با تحریک تلخ زندان میتواند است در آینده برای حاکمیت خطر آفرین باشد و خواسته اند با تصفیه حسی آنها پایه های نظام و اقتدارشان را تحکیم بخشد " سپس نصیحت امیر المؤمنین (ع) به مالک اشتر را در مورد خونریزی بناحق آورده است .

نظر آقای دکتر لاریجانی در رابطه با خطر رجوی

در رابطه با اعدامهای اخیر آقای دکتر لاریجانی در نلی مصاحبه ای بدین مضمون اظهار داشتند که : تشکیلات رجوی در عملیات مرصاد شکست جانانه ای را متحمل گردید و استراتژی آنها زیر سؤال رفت . لذا رجوی برای حفظ انسجام تشکیلات خود و انگیزه دادن به اعضا و هواداران تبلیغات زیادی بعنوان اعدامها راه انداخت تا شکست خود را تحت الشعاع قرار دهد . بقیه در صفحه ۱۲

خط آمریکادر قبال شوروی

بنیاد دهریتیح که نقش تعیین کننده ای در سیاست خارجی آمریکا در طی یک گزارش ۱۰۰۰ صفحه‌ای برنامه‌های برای جرح بسوی تهیه کرده است، در این برنامه هدف اصلی تحزیه و سقوط امپراطوری شوروی دانسته شده است و برای انجام این هدف چند مرحله پیشها دیده است.

۱ - جدا کردن بلوک اروپای شرقی و متحدین پیمان ورشو شوروی، بدین منظور الف: تقویت کمکهای آمریکا به ناراضیان کشورهای متحدین و روشمئل چکسلواکی و لهستان.

ب: تشویق مومکراسی، استقلال و عدم وابستگی در میان نیروهای مسلح پیمان ورشو ج: تماس با رهبران ناراضی در اروپای شرقی و تشویق آنها و سعی در ایجاد ارتباط و اشتراک بین آنها.

د: همکاری اقتصادی و سیاسی غرب با مسکو مشروط شود به حق تعیین سرنوشت

ملی در اروپای شرقی
۲ - تغییر حکومتهای کمونیستی متعادل به شوروی بدین منظور:

الف: ادامه دکترین ریگان در ۸ سال گذشته مثل حمایت از گروههای ضد کمونیستی در نیکاراگوا، افغانستان، کامبوج، آنگولا و ...

ب: تقویت این برنامه‌ها تا یک سو دجه یک میلیارد دلاری

ج: قطع روابط دیپلماتیک با حکومتهای افغانستان، اتیوپی، لائوس، مورا مسنگ و نیکاراگوا و بحای آن بر سمیت شناختن حکومتهای مقاومت

۳ - تحزیه شوروی بدین منظور:
الف: تقویت کمکهای آمریکا به ناراضیان سیاسی جمهوریهای استونی و لیتونی

ب: تقویت آشوبهای قومی در میان ارمنه و آذربایجانها

ج: افزایش برنامه‌های زادیو آزادی

برای سرزمینهای قومی شوروی
د- ورود قاچاق کتابها و انجیل های بریان محلی برای دامن زدن به اختلافات بین گروههای قومی و روسها
ه: بهره برداری از گرایشات اسلامی در جمهوری آسیای مرکزی

و: عبور قاچاق قلمیونها خلد قرآن مجید از طریق مجاهدین افغانی از مرز افغانستان به شوروی

ز: استقلال سیاسی استونی و لتونی راه محاهد:

علت اصلی اینکه امروز آمریکا به چنین سیاستی رسیده است را باستی در پرونده مبارزات جهان سوم جستجو کرد.

امروزه آمریکا در جهان سوم مواجدهای یک بحران و تهدید بزرگ است. موج تشدید شدت گرفتگی نهضت‌های عدالتخواهی و آزادیخواهی در کشورهای دست نشانده امپریالیسم یک واقعیت عینی است. این نهضت‌ها "بنا" تعارضات اساسی و تحریک اولیه می‌افتند و همچنین نهضت‌های عدالتخواهی تحت شعار سوسالیسم نیز به نحواً میسرگشایند می‌توند امپریالیسم با این چشم انداز است که در این میسرگام برداشته تا خود را نجات دهد؟

بقیه از صفحه ۱۱

نظراتی پیرامون برخورد با زندانان

راه محاهد:

بنظر میرسد تحلیل آقای لاریجانی که رجوی برای شدت خود احتیاج به مسئله ای مثل اعدامها داشته است، مبتنی بر واقعیتی است منحلله:

۱ - همانگونه که آقای لاریجانی هم اشاره کرده اند رجوی بعد از اعدامهای اخیر توانست راه فراری بسوی خود پیدا کند. تجاوز رجوی به خاک ایران بخصوص پس از پذیرش قطعنامه و آتش بس از طرف ایران در افکار عمومی ریز سوال رفته بود. حتی خانواده هایشان هم نمیتوانستند از کار آنها دفاع کنند. ولی بعد از اعدامهای اخیر به تهاجم سیاسی، تبلیغی دست زد، تا حایی که جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل به محکومیت کشاند.

۲ - یک فرد زندانی به لحاظ نظامی و عملی نمیتواند کتکی به جریان برانداز نماید. ولی هنگامی که همین زندانی بدلالی غیرموجه اعدام میگردد، انگیزه و عامل تحریک بستگان، دوستان و آشنایان او میشود و دستاویزی برای رجوی در محق جلوه دادن این درگیری خانمانسوز میباشد.

بقیه از صفحه ۲

استقراض خارجی

با اندکی تأمل در تاریخ تکوینی استکبار جهانی و روشهای توسعه اقتصادی سرمایه داری در می‌یابیم که نظام امپریالیستی تمرکز سرمایه اش را مدیون استثمار ملل محروم است نه برقراری رابطه ای عادلانه که در اثر مشارکت سرمایه ای یا سایر دولت‌ها بدست آمده باشد برای نمونه در قرارداد داری که ۱۶٪ از سود حاصله طبق قرارداد به طرف ایرانی تعلق داشت با استفاده از ترفندهای حقوقی، ما را از ۱۶٪ فوق نیز محروم نمودند قرارداد ۱۹۳۳ نیز از این جمله بود قطعنامه ۵۹۸ نیز نمونه دیگری از قرارداد نظام امپریالیستی با طرفین ایران و عراق برای حل مسئله خنک است که علیرغم خوش بینی برخی صاحب نظران سیاسی نسبت به آن باین بست روبرو شده و برای گرفتن امتیازاتی از جمهوری اسلامی مذاکرات را طول می‌دهند.

برقراری رابطه عادلانه سیاسی - اقتصادی با ماهیت استکبار جهانی، در تناقض است.

بنا بر این تصور اینکه از طریق مشارکت با شرکتهای خارجی سودهای برده و سپس سهام شرکت مزبور را خریدار مستقل می‌شویم تصویری ذهنی و بدور از واقع است. مطرح

۳ - همکاری آشکار رجوی با حزب بعث عراق و تهاجم

نیروهای نارمان به غرب کشور بگونه ای مورد تقبیح - تحریک نهایی، مختلف قرار گرفت که حتی سلطنت طلبها هم اعلام کردند که آنها ارتش آزادیبخش عراق هستند نیروی شدن رجوی در بین نیروهای مخالف و حتی هواداران سازمان مسئله ای بود که قدرت تعیین کننده این جریان را شدیداً به خطر انداخت.

البته باید توجه کرد که مسطور ارتدگرایان نکات صرفاً خلع سلاح سیاسی رجویستها نمیباشد. بعد از نشی و اساسی این قضیه بسیار مهمتر از سایر حوادث آن است.

یک فرد سیاسی که بحاضر اهداف خود حتی حاضر به انتحار میباشد باید مردود قابل مقایسه نیست بنا بر این در برخورد با خاطیان سیاسی میبایست به انگیزه هایشان توجه کافی نمود و در جهت هدایت آنها پیش از یک مجرم معمولی رحمت کشید. به صرف آنکه من و شما از هدایت کردن آنها نا امید شده ایم آیا میتوان حکم بر غیر قابل هدایت بودن آنها داد و در اساس آن محاررات را اعمال نمود؟

البته کسی به مجازات افرادی که مرتکب قتل شده اند و یا اینکه بگونه ای مستقیم در زندان با جریان برانداز همکاری کرده اند ایراد قانونی نمیگیرد. ولی آیا داشتن موضع عقیدتی و فکری را

کردن الگوی ژاپن به عنوان الگوی موفق از تئوری فوق نیز ناشی از عدم مرز بندی بین يك کشور انقلابی و يك کشور امپریالیستی است در شرایط کنونی امپریالیسم نه عنوان يك کشوری مثل آمریکا بلکه بصورت فراملیتی عمل میکند که يك شرکت در ژاپن دارد يك شرکت در آمریکا یا انگلیس و ... که مدیریت این نظام فراملیتی در آمریکا متمرکز است بنا بر این رابطه ژاپن و آمریکا مثل رابطه دکراتها و جمهوریهای خواهان در داخل آمریکا است یعنی هر دو در يك نظام امپریالیستی قرار دارند تشکیل کمیسیون سه جانبه پس از خنک دوم جهانی مشکل از ژاپن آمریکا، اروپای غربی نیز برای عملکرد هماهنگ اقتصادی - سیاسی این نظام استکباری است در واقع ژاپن از نظام استکباری مستقل نشده بلکه در آن بیشتر ادغام شد بنا بر این برای ارائه يك الگو و تجربه موفق بایستی به موفقیت يك کشور انقلابی در رابطه با تئوری مشارکت شرکتهای خارجی در استقلال اقتصادی - سیاسی اشاره کنیم.

بقول آقای ناصری: چیزی که امروز شرکتهای چند ملیتی مطرح میکنند این است که ما دیگر يك شرکت اقتصادی نیستیم ما شرکتي هستیم با يك جهان بینی و - ایدئولوژی مشخص و ایدئولوژی مشخص ما رسیدن به جهان بینی بدون مرز است می‌گویند ما می‌خواهیم کالایی

میتوان با اقدام عملی هم عرض داشت؟

اگر خود را در چنین برخوردهایی با جریان فوق الذکر محق میدانیم میبایست در جامع بین المللی و داخلی به صراحت از مواضع خود دفاع نماییم و با ارائه دلیل و مدرک ارتباط معدومین با جریانهای فعال بیرون از زندان را ثابت کنیم و دلایل قانونی اعدام را مطرح نمائیم.

و اینکه آقای لاریجانی هم به صحت و سقم خبر اشاره ای نمیکند و در دفاع از این اقدام مطلبی را نمیگویند و صرفاً به دستاویز شدن آن توسط رجوی اشاره می‌کنند. براساس مسئله میافزاید.

اینکه آقای لاریجانی مقام برجسته وزارت خارجه اعدامهای اخیر را تعبیه سوراخی برای فرار رجوی از پاسخ دادن به هواداران و مرتبطین در رابطه با شکست عملیات کردند میدانند، اگر تحلیل درستی باشد تجدید نظر اساسی در عملکرد جاری لازم می‌آید.

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ يَغْفِر لِمَن يَّشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَّشَاءُ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا سوره فتح - آیه ۱۴
و ملوک آسمانها و زمین متعلق به خداست و هر کس را بخواهد می‌آمرزد و هر کس را بخواهد عذاب میکند و همسانا عذاب آمیزنده صهربان است.

تولید کنیم که همه جهان با هم مصرف کنند ... آیا واقعاً این شرکتهای هر چه ما بخواهیم میدهند یا هر چه خودشان صلاح بدانند به ما خواهند داد؟ آنها ارباب هستند یا ما؟ آیا ماهیت امپریالیستی چیزی است که از این کشورهای سرمایه داری جدا میشود؟ زمانی که آگنده در شیلی اعلام کرد که شما (شرکتهای چند ملیتی) را نمی‌خواهیم وزارت خارجه آمریکا برنامه‌ای در ۱۸ اصل برای کودتا در شیلی تنظیم کرد ... بنابراین ورود - شرکتهای فراملیتی نمیتواند حافظ منافع اقتصادی و سیاسی ما باشد!

به نظر ما تنها اثر خوش بینی ساده اندیشانه به ماهیت شرکتهای فراملیتی جهت مشارکت در بازسازی اقتصادی این است که از سرمایه گذاری و برنامه ریزی برای يك اقتصاد خودگفا که بتدریج وابستگی اش به نفت تقلیل باید غافل می‌شویم. ما حاصل چنین غفلتی این است که با افزایش بحرانهای اقتصادی راهی جز پذیرش فرمولهای غریب برای رهایی از بحرانهای فوق در مقابل خود نخواهیم دید ولیکن امپریالیسم جهانی با علم به اینکه يك نظام انقلابی به دلیل عدم پذیرش سلطه قادر به برقراری رابطه ای حیاتی - اقتصادی با وی نیست پس ترفندهای مختلف جهت براندازی چنین نظامی برنامه ریزی می‌کند که نیایستی از این توطئه غافل شویم.



همکاری عجیب و غریبی در نجف داشتند و ما عناصرشان را با اسم و رسم میشناسیم که چه کسی با چه شخصی همکاری میکرد. آنوقت من بینیم یکسری آخوند در نجف درست شدند که اینها سوره‌های شدند اینها را چه کسی نود هایشان کرده بود؟ این باز داستانی دارد. یکی از دوستان اسلامی شهریار علی‌نقی منزوی بود. این آقای علی‌نقی منزوی از استادان دانشگاه تهران و معلم و پسر شیخ آقابزرگ تهرانی و صاحب تالیفات کثیر است. یکی از افسران حزب توده بود و یکی از آنها هم در آلمان شرقی است یکی از آنها هم فراری و زندانی عراق و نجف و از هم دوره‌های جلال آل احمد هم بوده است یعنی وقتی جلال آل احمد مارکسیست شده بود در سالهای ۲۲ و ۲۳ او در همان وقتها مارکسیست بوده است. اینها عناصری را که در نجف به تور زدند در نظر بگیرید. یکسری آخوند بنام توده‌های درست کرده اند و ما میدانیم که آنها بطور مسلم با سفارت ایران در ارتباط بودند و هم‌اشاران مبتلا به انحرافات جنسی و از اینطرف هم با حزب توده در تماس بودند یعنی اینها هم آهن‌کار میگردند. در آلمان هم چند نفرشان هستند. در ایران بعضی شان بقیه هم شده اند و مصمم بودند بیک عده‌ای مقدس بودند ولی با اینها همکاری می‌کردند و اینقدر جریان شدید بود که امام دولت عراق را تحت فشار قرار داد که باید آقای علی‌نقی منزوی و آقای (البته ما هنوز آنوقت به عراق نرفته بودیم) نمایندگی... از اینجا بروند یعنی با یک ضربه فنی اینها را بیرون کردند والا اینها به زودی نصرتند. اینها در نجف مثلا اینکار را کردند بیک عده آخوند درست کردند بی دین و منحرف و اینها با سفارت هم در تماس بودند اسمشان هم توده‌های بود. حالا خود این علی‌نقی منزوی از کجا سرور آورد یکدفعه از سفارت ایران در بیروت سرور آورد. شارژ دافر فرهنگی یعنی رایزن فرهنگی شد و بعد هم آمد ایران. آنوقت کتاب (بیست و سه ساله‌ای) راجع به بیست و سه سال پیامبر از وقتی که بیعت به رسالت شد تا وفات نوشتند و با علی دشتی همکاری میگردند. البته کتاب را اولین بار در بیروت چاپ کردند.

این عناصر هرکسی را که معرفی میگردند به جبهه خلق برای آزادی فلسطین تیپ جرج حبشی یا تیپ (ودیع حداد) بود. حالا تیپ و دیع حداد چه کسانی بودند عناصر چپ افراطی یعنی معتقد بودند به کارهای تهرستی و از جرج حبشی هم در کار هواپیما رسانی و... افراطی تر بودند. آری اینها هرکی را معرفی میگردند به ایمن تپهای افراطی آبی می‌گفتند یعنی اعضای را سواغ داشتیم که از طرف اینها رفته بودند در بین جنوبی با اصطلاح آموزش ببینند و آنوقت در بین جنوبی چه گذشت؟ در آنجا مثلا میدانید همه عکسهای مادر ماینهوف آلمانی توی مجله چاپ شد. همه عکسهایشان را چاپ کردند. این بیچاره‌ها فراری بودند و مخفی میشدند ولی عکسهای اینها را در مجله چاپ کردند (نه توسط دولت آلمان غربی) یعنی از طرف دولت بین جنوبی بطور غیر مستقیم و یا در اثر نفوذ خادما اینکار شد. ص ۵۵۷ الی ۵۵۹

نقش دستهای مرموز در گروههای سیاسی

"آقای بوده است کرد ایرانی بنام "دلفانی" ایشان در طاعمر مارکسیست بوده است که دستگیر میشود و در زندان به اسلامی افراطی بدل میشود. او با ناصر صادق یکی از برادران مجاهد و نخستین اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران که کوچه از موسسان سازمان مجاهدین خلق نیست ولی یکی از فرمان صاحب صلاحیت و مهم سازمان بوده است و در مسائل انقلابی با جوانی ارزنده شجاع و قابل توجه در زندان آشنا میشود و در طاعمر به مجاهدین خلق گرایش پیدا میکند اینها هر دو از زندان آزاد می‌شوند مدتی بعد مجاهدین برای برادران مجاهد به اسلحه نیاز پیدا میکنند و دلفانی به ناصر صادق و یاران دیگری که با او آشنا شده بودند میگوید که او قادر است برای آنها به ساختن اسلحه پیدا کند و از این طریق به خانه امن مجاهدین راه پیدا میکند. بعد از این کشف است که مجاهدین لو میروند و در شهر بروجرد ۵۰ و یکماه پس از آن ۷۰ نفر از فعالان مجاهدین خلق ایران دستگیر میشوند. رابط دلفانی اسلامی شهریار بوده است که این مرد خود از یکسری رابط حزب توده و مسکو را دیو پیک بوده است و مسئول تشکیلات حزب توده در خوزستان هم بوده است. سئوالی که مطرح است این است که چگونه ناگهان در سال ۵۰

۷ نفر از سازمان مجاهدین دستگیر میشوند؟ جز اینکه از طریق همین آقای دلفانی؟ جا سوسان امریکایی و صهیونیستی برای رسوخ در سازمانهای انقلابی یا خود را اسلامی افراطی جلوه میدهند یا مارکسیست افراطی البته مارکسیست افراطی آنها هم یا وابسته به پکن است یا کرملین یا آلبانی ولی منظور غایی همان نفوذ است در سازمانهای ارزنده انقلابی و نابود کردن آنها..."

ص ۴۸۸ و ۴۸۹

کیفیت نفوذ امپریالیستها و صهیونیستها در انقلابات

"یک کار ظریفی هم امریکاییها کردند و قسطنطنیون یا مائو ملاقات کرد و (غلطاندن چین) با هم دوست شدند و چین را کشاند به طرف امریکانا متحدش بشوند علیه شوروی. عین اینکه فرصت کمید می گوئیم در ما شیعه و سنی نیست و ما مسلمانیم و همه باید متحد شویم علیه صهیونیسم اما بیا ایند سر اختلاف شیعه و سنی ما را به جان هم بیندا زند و یا در شیعه بیایند مسئله شریعتی ضد شریعتی. وهایر و ضد وهایی، نماز جمعه‌ای و ضد نماز جمعه‌ای و نمایند شهبند جاویدی و ضد شهید جاویدی و... را باب کنند و ما حواسمان پرت باشد. بهر حال آنها آمدند چین را کشاندند به طرف خود و آبروی چین را هم بردند و چین هم غرور دارد و نمیفهمد و ایمن از حقارت آنهاست. در حدیث است که هیچ کسی نیست تکبر کند یا جبروت بفروشد الا اینکه یک حقارت در نفس خود ترا احساس کند یا عقده حقارت داشته باشد و از آنطرف هم میگردد تکبر و غرور و اوج تورعقل را میرود یعنی وقتی که اوج داشتی و غرور داشتی و خود بین شدی دیگر خیال میکنی درست میروی و دیگر تفکر نداری و بنابراین

برزیلینکی و کمینجر پدید آمدند و کار رتور را در می آورند و شوروی بریا و بریاها بدرجند استالین را در می آورند. الان شما به استالین نقش میدهند ولی اصلا "یا دت هم به بریا نیست بطور می شود که بریا اصلا" فحش تمیخورد؟ یا مثلا می بینیم سیدضیا الدین طباطبایی فحش می خورد و فراموش می شود و کجا رتور را فحش می خورد؟

کلاه سرت میرود چینیها هم غرور داشتند به کتاب سرخ مائو، لئنا پیش خود گفتند خیلی خوب ما می آیم صلح می شویم و ترمز می گویم یعنی با امریکا متحد شویم و پدر روسها در می آوریم آنوقت چکار میکنیم شکی نیست که باید فکر داشت شعور داشت که اینجسوری دارند پوستی انقلابی چین را میگردند یعنی میلیونها جوان زن و مرد که برای چین جاسوس میشوند دیگر نمیشوند (نیخواهیم بگوئیم جاسوس باید میشدند) دارم عینی بحث میکنم و میلیونها جوان می افتند به جان آن علیه اش خرابکاری میکنند و خاک بر سر آنها تیکه هنوز به چین بعنوان یک کشور انقلابی نگاه میکنند اینها دیگر چقدر رسوا هستند که حد ندارد. البته آنها کسانی هستند که سیاه درشان نفوذ دارد و تازه سیا میخواهد از راه همین معتقدین به چین وارد چین بشود شده است یعنی ستاره سرخها، طوفانیها، سازمان مارکسیست لنینیستی طوفان، خط پانده ولی و... عوامل سیا شده اند.

از باب مثال تیپ طرفدار آلبانی الان نه چین را قبول دارند نه روسها و طرفدار آلبانی هستند و چینیها هم دارند آلبانیها را فحش میدهند و اعضا کفدراسیون... گروه شده اند و تعزیه گردان همه اینها نفوذ سیاسی است. آنوقت همین آقای حق شناس (از رهبران پیکار) با اینهمه در تماس بود ببینید چقدر شیرین است که در همه شان نفوذ کرده اند اینهم یکن مسئله مهم برای امریکا که تشنگ اعضای گرو وههای چینی را بشناسد آنوقت آنها با سازمانهای دیگر مرتبط شوند و بدینوسیله آنها هم لو بروند یکدفعه میبینی که هر کوش لاشایی یکی از بهترین شخصیتها و جوانها در کنار مائو سبز میشود و با او عکس میگردند او بیلافاصله می آید و میرود در استان یک مکتب را جاسوس میکشد و یکمرتبه هم میگردند و بعد هم از آن غلط کردیم میگوید. کوش لاشایی

را یاد نماند است گهر و عکس هم کشیده بود و با ما تو این انقلابی روزگار ملاقات کرده بود. این است که الان آمده است و الان طرفدار شاهنشاه آریامهر شده است. پیرو حیه جوانهای انقلابی و منحرف از جهت مکتبی را خورد میکنند روحیه جوانهای انقلابی کمونیست چین را هم در عم می کشند. این نقش است که طرف را یاد می روزنه بیشتر مائو ببرند و بیاورند. در بغداد که یک مکتب جوان را جاسوس کند و در کردستان هم. بعد هم یکدفعه توه میکند. روشن است که از اول نقشه بر این بوده که روحیه جوانهای کمونیست را خورد کنند و بگویند این جوان انقلابی خارج از کشور و دنیا دیده و مائو (قبله مائوئیستها) دیده هم این شکی از آب در آمد و بدین شکل آبروی مائوئیسم را در دنیا میریزند و خود مائو و طرفدارانش هم نمی فهمند که صهیونیسم با آنها چه میکند و چطور مارکسیست امریکایی میسازند.

در این صاحت مزبور غرض این بود که صهیونیسم چگونه انقلابسارا از هم متلاشی میکند و به اسم طرفدارانی از آنها بدترین لکه ها را بداند و چسباند و هشداران بود که بنام اسلام در مسلمانان نفوذ نکنند؟" ص ۴۷۰ الی ۴۷۲

چرا جاسوسها میبایند ویر می شوند؟

" فکر میکنید چطور همه آدمهای خوب زود میمیرند؟ لنین چرا زود مرد؟ نهرو زود میمیرد، گاندی را تهر میکنند، آیت الله سعیدی در زندان میمیرد، آیت الله سید مصطفی خمینی، دکتر شریعتی آخر چطور میمیرد؟... برزیلینکی و کمینجر پدید آمدند و کار رتور را در می آورند و شوروی بریا و بریاها بدرجند استالین را در می آورند. الان شما به استالین فحش می دهید ولی اصلا یادت هم به بریا نیست. چطور میشود که بریا اصلا فحش نمیخورد؟ یا مثلا می بینیم سیدضیا الدین طباطبایی اصلا فحش نمیخورد و فراموش می شود و کجا رتور را فحش می خورد؟ یا چائوشسکو که خطرناکترین آدمها بوده است خوب یا علی دشتی دست نمیخورد. آقای علی دشتی ۶۰ سال جاسوس صهیونیست اسرائیل بوده است طلبه هم بوده است. ایشان زمان تجارتیه. زمان رضا شاه، زمان محمد رضا شاه بوده است حالا هم دستگیر شد و یکماه زندان بود بعد آزاد شد. بنابراین می بینیم صهیونیستهای خطرناک پیر مرد میشوند، میران از فرانسه پیورود میشود و ولی برانت هم همینطور اینها صهیونیستهای بین الطلس هستند و فحشها را دیگران میخورند. مثلا کل دنیا در آتش جنگ دارند میسوزند. شرق، غرب، چین، روس، امریک، فرانسه، بلجی، مصر، عراق، سوریه، ایران زمان شاه، ایران زمان امام خمینی، کل دنیا با هم اختلاف دارند و همه هم یکدیگر را میزنند فقط یک نفر چائوشسکو این وسط ارتباطات دارد و چائوشسکو معجزه پیدا میکند. چائوشسکو یکی از خطرناکترین جاسوسان بین الطلس است و شرحش بماند. در مورد ایشان یک تیخ صهیونیستی است که در کل دنیا هست و اتفاق نظر بر سر ایشان هست. او با سر عرفات و گد امایر و ضد و نقیض راجع کرده است و دشمن هم ندارد. یعنی شما ببینید خورشید دشمن دارد، مائو دشمن دارد، دوگ و نیکنسون هم دشمن دارند، خدا و بیخبر هم دشمن دارند، سادات و گد امایر دشمن دارند فقط چائوشسکو این وسط دشمن ندارد. ص ۴۹۱ و ۵۰۸

نحوه شناسایی جاسوسها

" هر کسی جاسوس را میتواند کشف کند. یعنی بایستی بینیم در هر حزب و سازمان و جمعیتی کی یک سازش میزند؟ معمولا بحث بیخود و انحرافی خلق میکند یا بیشتر وقت میگوید یا مشکلات در سازمان حزبی می آفریند. ما باید برویم تحقیق کنیم و بینیم که آیا از روی نادانی و عدم آگاهی است و یا از روی بدجنسی است یا هوای نفس و کسی هم که خبیث شده است و میخواهد مشکلات خلق بکند آیا وصل شده است به یک جانی یا نشده است که این هم علاقه دارد و بر اساس یک سری شناختها که قرآن به ما میدهد سیستم عمل صالح و یک سری قواعد و قوانین که در اسلام داریم مسائل لازم را فراموش کنیم. البته این قوانین نشانده اند از مای نوشته شده است صریحی انشاء الله نوشته میشود کشف بکنید کی خراب است؟ الان من نسبت به جای خاصی ابراز نظر نمیکنم فقط این را برایتان میگویم که در کل کمیته‌های مانفوذ هست در ارتش و سپاه پاسداران و کل احزاب و سازمانهای داخل کشور نفوذ هست و آنوقت یک چیزهایی نوشته شده است. من خواهم میکنم این چیزها را مطالعه کنید و بعد بر اساس آن من آمادگی دارم که جواب دهم که در روزنامه مجله و اعلامیه یک سری مسائل نوشته شده است."

باید از واسطه‌هایی که کارشان القای بد بینی نسبت به جناح مقابل است پرهیز شود.

مناصفانه از طرف برخی نیروهای سیاسی با مسئله فلسطین طوری برخورد می شود که گویی فلسطینی ها بیرونده ای جز سازش و خیانت نداشتند و پیش از بیست سال سوابق درخشان فلسطینی نادیده انگاشته می شود تا جاییکه در رابطه با ترور شهید ابوجهاد عنصر مقاومت مسلحانه فلسطین از جانب این نیروها سکوت اختیار می شود

برخی از تحلیلگران اقدام مجلس شورای ملی فلسطین را به معنای یک حرکت در حال قیام موجب گسترش آن خواهد شد اگر دولت فلسطینی در کرانه غریب و نوار غزه مستقر شود تثبیت این دولت به مثابه دستاورد سیاسی قیام محسوب شده و با توجه به این پیروزی قیام در سایر مناطق اشغالی برای کسب استقلال گسترش خواهد یافت و این به مفهوم نابودی مرحله به مرحله تمامیت اسرائیل است بنابراین تا زمانیکه قیام در مناطق اشغالی یا بقول غرب تروریسم محکوم نشده و تضمینهای عملی از جانب رهبران فلسطینی به امریکا و اسرائیل ضعیف بر سرکوب یا کنترل قیام نماند نشود امریکا حاضر نمیشود دولت فلسطینی را برسمیت بشناسد. با توجه به این مسئله امریکا برای رسیدن به نایب دولت فلسطینی استحاله شده فوق العاده ایجاد جنگ داخلی در صفوف فلسطینیها است تا در کادر این جنگ داخلی نیروهای قیامگر سرکوب شوند امریکا قصد دارد مذاکره با ساف را آنگاه طول دهد تا به این هدف نائل آید از طرفی با وارد کردن فلسطینیها به عدول از مواضع مقاومت گذشته آنها در طول مذاکرات ساف را در بین توده های فلسطینی منزوی نموده و از این طریق موجب فکانشی شدن سازمانهای فلسطینی از جمله الفتح گردیده و بدین طریق به بحران فلسطین خاتمه دهد. دیدیم که امریکا حتی با وجود صراحتی که سخنان عرفات در ژنو داشتند حاضر به قبول مذاکره با ساف شده و دولت مستقل فلسطینی را برسمیت نشناخت.

با توجه به این توطئه موضعی که در قبال فلسطینیها اتخاذ میشود بایستی به نحوی باشد که اختلافات درونی نیروهای ضد صهیونیست را به تخاصم نکشاند که مناسفانه در برخی موضع گیریها این مسئله رعایت نشد. محکوم کردن صرف یک اقدام محافظه کارانه که بعد نود می (حمایت قیامگران فلسطینی از تصمیم شورای ایلی فلسطین) و گسترش سازمانی (اجلاس ملی فلسطین) دارد به نقد دشمنان تمام خواهد شد ولیکن برخورد انتقادی سالم و راهگشا موجب ارتقاء قیام در منطقه علیه صهیونیسم میگردد.

ریشه های درونی ضربه

۱- اصالت دادن به افکار عمومی جهان غرب

مشرقی شفیق از تئورسینهای انقلاب فلسطین در یکی از آثارش به این مضمون گفته است که در نهضت فلسطین سه نوع وحدت داریم وحدت بین المللی - وحدت عربی - وحدت فلسطینی که این سه نوع وحدت به ترتیب اولویت ذکر میشود. یعنی وحدت بین المللی مقدم بر وحدت عربی و وحدت عربی مقدم بر وحدت فلسطینی قرار میگیرد. در شرایط کنونی منظور از وحدت بین المللی جلب حمایت افکار عمومی جهان و تسری دادن منافع فلسطین در قطع نامه های سازمان ملل میباشد. جلب حمایت رژیمهای عربی و استعرب نیز در کادر وحدت عربی قابل بررسی است و تجلی عینی وحدت فلسطینی نیز در وجود ساف خلاصه میشود که سازمانهایی را با ایدئولوژیها و افکار گوناگون حول مبارزه با صهیونیسم گرد آورده است. ساف و شورای ایلی فلسطین به مثابه نظام فلسطین بوده و در کادر وحدت فلسطینی قابل بررسی است. ساف با توجه به استراتژی جهانی خود یعنی جلب افکار عمومی جهان جهت تشکیل دولت مستقل فلسطینی و با توجه به استراتژی منطقه ای خود یعنی جلب حمایت رژیمهای عربی و ملت عرب در حمایت از دولت فلسطینی و با توجه به نقطه نظرات جناحهای فلسطینی که در شورای ملی فلسطین عنوان شده به تصمیم اخیر یعنی پذیرش تلویحی قطع نامه ۲۴۲ مبادرت نمود.

در صورت اقدام به چنین عملی ادامه مبارزات ضد صهیونیستی پس از تشکیل دولت مستقل منتفی میشد ولی دیدیم که امریکا و اسرائیل با ابهام آمیز خواندن بیانیه استقلال با آن مخالفت کردند. پیش بینی میشود که غرب جهت و ادوار کردن فلسطینیها به همزیستی با اسرائیل ترور عناصر مقاومت را دنبال مینماید تا مقاومت فلسطین را در کادر خط مشی خود یعنی حل بحران فلسطین از طریق پذیرش اسرائیل محدود تعدیل نماید.

با استناد به آیات قران کریم (که من فقه قلیله غلبت فقه کثیرم بمان الله) و به اعتراف تمام انقلابیون جهان اگر یک نیروی حق به قوانین مبارزه مسلح شود علیرغم اقلیتش قادر است بر کثرت نیروهای باطل غلبه نماید فرمول جنگ چریکی نیز دقیقاً بدینال پاسخ به این نیاز و استخراج قانونمندیهای فقهی است. حق بر اکثریت باطل مدون شده است که بایستی در طول تاریخ ارتقاء یافته و به شیوه های نوین تری مسلح شود. خط مشی جهاد اسلامی در رابطه با شیوه های مبارزه مخفی موجب شده تا غرب به عجز خود جهت مقابله با آن اعتراف نماید چنانچه رابین رایت گفته است " ما میخوانیم انتقام بگیریم و ضربه متقابل بزنیم و به حمله کنندگان با نیروی نظامی غیرانی پاسخ دهیم ولی علیه کدام کشور و کدام سرزمین زیرا این دشمن کشوری نیست و مرزی ندارد دشمن امریکا یک نهضت مذهبی است که سرپا از نشانه یک مذهب و کشور خاصی مربوط نیستند"

در شرایط کنونی افکار عمومی جهان ظاهراً تابع و تحت تاثیر شبکه های تبلیغاتی غرب است و برای جلب حمایت این افکار راهی جز تعدیل خط مشی در یک جهت امریکا یا اروپا نیست وجود ندارد آری واقعا این تنها راه تاثیر گذاری روی افکار عمومی جهان است و راه دیگری وجود ندارد؟ بنظر ما اگر تبلیغات از موضع مبارزه مسلحانه باشد قادر است علیرغم کثرت امکانات تحلیل مقاومت را در حداقل زمان در معرض افکار عمومی جهان قرار دهد.

۲- پذیرش مبارزه مسلحانه در حد تاکتیک نه استراتژی

در شرایط کنونی درون جنبشهای ضد صهیونیستی سه خط مشی وجود دارد اول - خط مشی ای که مبارزه مسلحانه با صهیونیسم را هم تاکتیک میدانند و هم استراتژی. این خط مشی نافی مذاکرات سیاسی نبوده بلکه هر گونه مذاکره و حرکات دیپلماتیک را تابع مقاومت مسلحانه میدانند و بخاطر قاطعیت در مقاومت جناحهایی از غرب را از موضع استیصال، تسلیم هدف مرحله ای خود مینماید بدون اینکه مجبور به اعطای امتیازی باشد به عارت دیگر غرب از موضع مرگ به تب راضی میشود. با توجه به اینکه ایادی رموز امپریالیسم و مسئله نفت حکم شاهرگ ای حیاتی غرب در منطقه است برخورد مقاومت مسلحانه با این منافع سیاسی - استراتژیک موجب وحشت و استیصال غرب میشود. همچنین دلیل غرب وحشت و آفری از گروگانگیری ایادی خویش داشته و آنرا نافی امنیت حیاتی خود در منطقه بشمار میآورد. نیروهایسی چون حزب الله و امل اسلامی لبنان بر رهبری سید حسین موسوی در این جریان قرار دارند. این نیروها تصمیم اخیر شورای ایلی فلسطین را در حکم یک ضربه دانسته و با آن برخورد انتقادی داشتند.

دوم - خط مشی ای که مبارزه مسلحانه با اسرائیل را در حد تاکتیک پذیرفته و از آن برای وادار کردن دنیا و قدرتها جهت احقاق حقوق خود استفاده میکند. به عبارت دیگر مبارزه مسلحانه را یک تاکتیک و کار سیاسی را جهت به بار نشستن آن یک استراتژی میدانند. این خط مشی پس از بیست سال مقاومت بر سر عدم پذیرش قطع نامه ۲۴۲ از موضع قیام در مناطق اشغالی سعی میکند تا به یک دستاورد سیاسی یعنی تشکیل دولت فلسطینی دست یابد.

سوم - خط مشی ای که مبارزه مسلحانه با صهیونیسم را به عنوان یک تاکتیک و استراتژی تشنج آمیز دانسته ولیکن بدلیل جود ضد صهیونیستی عمیقی که در منطقه وجود دارد قادر به اعلام موضع آشکار نیست این جریان، جریان صلح و سازش خرنده نام دارد که بایستی در انقلااب اسلامی و انقلاب فلسطین و جهاد ضد صهیونیستی لبنان پیگیری شود در رابطه با خط مشی دوم یا سرعفات در اجلاس اروپا - استراسبورگ گفت: " ملت فلسطین سالیان زیادی برای اجرای عدالت جهانی به انتظار نشست اما متأسفانه این ملت و مسئله آن به فراموشی سپرده شد و با بهانه های گوناگون ساله ما را از دایره توجهات بین المللی در زمانیکه مختلف بدر انداختند پس طبیعی بود که این ملت در سال ۱۹۶۵ بار دیگر بسوی مبارزه مسلحانه روی آورد زیرا غیر از ادامه مبارزه مسلحانه راهی نداشت در این رابطه بهای کلانی نیز پرداخت تا بتواند ساله خویشتن را مطوح کند."

ریشه نفی مبارزه مسلحانه در استراتژی ناشی از این است که همزیستی سالم آمیز و صلح و ثبات در منطقه حتی با وجود امریکا تحت شرایطی، عملی تلقی میشود. همچنین خاطرها با تاکتیک مسلحانه سعی میگردد تا جناحی از غرب بسبب یک رابطه عادلانه در منطقه سوق داده شود. از طرف دیگر این خط مشی چون حیات اسرائیل را وابسته به کمک دنیای غرب بخصوص امریکا میدانند تصور میشود که با جدا کردن حمایت امریکا از اسرائیل رژیم اشغالگر قدس خود بخود نابود خواهد شد چنانچه جمال عبد الناصر در این مورد میگفت " دولت اسرائیل مثل یک غده است راه علاج غده این نیست که آن را بشکافیم بلکه باید خونرسانی به آنرا قطع بکنیم تا غده از بین برود". ناصر اسرائیل را مثل یک غده و ککهای امریکا را مثل جریان خون به این غده میدانست و تصور میکرد که با قطع ککهای امریکا اسرائیل نابود خواهد شد غافل از اینکه مغز متفکرهای امپریالیسم همچون کیسینجر و... خود صهیونیست هستند و امریکا و اسرائیل علیرغم اختلافات و بنایی غیر قابل تفکیک میباشند. فراموش نکنیم که خط مشی فوق در طول ۱۸ سال دفاع مقدس نیز تجربه شد، چنانچه جریان برای قطع ککهای خارجی به صدام ایجاد رابطه و جلب حمایت قدرتها از خود را توجیه میکرد و میخواست از این طریق موجب سقوط صدام بشود ولی دیدیم که غرب با بازی دادن این جریان فرصتها را از ما گرفتند و ضربه بزرگی به دفاع مقدس زد که باعث پذیرش قطع نامه ۵۹۸ از طرف ما شد.

امید داریم که نیروهای ضد صهیونیست در رابطه با خط مشی فوق به یک تامل تاریخی اقدام نمایند تجربه هایی چون انقلاب مصر که با خط مشی فوق بسوی کمپ دیوید کشیده شد، تجربه شوری که با تشری لندن در پذیرش خط مشی فوق نهایتاً به تخریب شریف (اصل سلامت آمیز) و اکنون خط مشی غربگرایانه گویا چف منجر شده است.

۳- اتحاد با جناحهای نفی در مبارزه ضد صهیونیستی

وقتی که تاریخچه نهضت های ضد استعماری در خاور میانه را مطالعه میکنیم به وجود دو خط مشی نارسا در بین آنها پی میبریم. اول - خط مشی ای که مبارزه با امریکا را اصل میدانند و به خطر وجود صهیونیسم در منطقه - باین نمیدهد. این جریان از آنجا که امپریالیسم را پدیده ای اقتصادی تحلیل میکند عملاً به مبارزه با سرمایه داری در داخل کشیده شده و به نقش دستهای رموز و توطئه های صهیونیسم در منطقه توجه زیادی نمیکند.

سیاست اسلام محبت است، صداقت است نه رفتارهای دیپلوماتیک

که امید داریم از طرف ایران و فلسطین به این عوامل توجه بیشتری شود.

نقتر سرکوب و فشارهای خارجی در غریبه

برای یافتن نقطه عطف غریبه فوق بایستی سیر ساف از سال ۸۲ تاکنون را مرور نماییم. در ژوئن ۸۲ اسرائیل تجاوز گسترده‌ای را به لبنان آغاز کرد. نیروهای فلسطینی طی مقاومت ۷۸ روزه خود ضربات سهمگینی به متجاوزین اسرائیلی وارد ساخته و حماسه‌های بزرگی آفریدند. ولیکن بدلیل فشارهای سیاسی برخی از سازمانهای لبنانی از جمله "اهل" و "گروه جنیلاط" و... مجبور به ترک لبنان شدند و بدین ترتیب از خط مقدم مبارزه با اسرائیل بظرف تحمیلی عقب نشینی نمودند. رهبری ساف پس از خروج بدنه نظامی فلسطینیها از لبنان از طرف مقامات سیاست خارجه جمهوری اسلامی دولت سوریه و لیبی مواجه با حملات شدید سیاسی شد. ساف پس از تحول فوق موقعیت خود را در منطقه بررسی نمود و نتیجه این واقعیت گردید که بدلیل منزوی شدن در بین برخی دول متوق و انشعاباتی که در داخل خود با آن روبرو گشت و بدلیل دور شدن از مرز درگیری نظامی با اسرائیل دیگر قادر به ادامه خط مشی صلحانانه بشکل سابق نبود و جهت خروج از این انزوا مجبور است سیاست خود را تعدیل نماید بر اساس چنین جرحشی بود که در پیت سیر چند ساله با توجه به اهدافی که درونیتر به پذیرش قطع نامه ۲۴۴ رسید چنانچه ابوابیاد طی صاحبهای که ذکر شد رفت به این انزوا اشاره و تاکید نموده است. بنابراین تمام جریانهای با اقدام اخیر نیروهای فلسطین مخالفت میکنند بایستی به این واقعیت تاریخی توجه داشته باشند که در پذیرش قطع نامه ۲۴۴ تنها فلسطینیها مقرر نیستند بلکه تمام کسانی که با فشارهای مختلف اعم از سیاسی و نظامی موجب خروج قح از لبنان شده و سپس آنها در یک افروزی سیاسی قرار دادند به نسبتی مقررند و بایستی نقتر خود را در این غریبه به فلسطینیها نایبیده بگیرند و از طریق کویدن و محکوم کردن تناقضی و متوق نمایانه بدون ارائه یک جمع بندی خود را تیره نمایند. در روایتی با نقتر انزوا و سرکوب علاوه بر تجربه فلسطینیها دو واقعه تاریخی قابل ذکر است که احتمالاً به آنها اشاره میکنیم:

۱- تجربه مصر پس از جنگ ژوئن ۶۷

اسرائیل در ژوئن ۶۷ تجاوز گسترده‌ای را علیه مصر و اردن و سوریه آغاز کرد که منجر به اشغال صحرائ سینا کرانه غربی و نوار غزه و جولان شد. ناصر بدنبال شکست نظامی در این جنگ استعفا داد ولیکن با حمایت توده‌های مصری مجدداً ایقاع شد پس از این حمله که منجر به اشغال تقریباً کامل نیروی هوایی مصر شد ناصر به این جمع بندی رسید که برای تحدید قوا جهت ادامه مبارزه با اسرائیل به زمان و فرصت نیاز دارد برای بدست آوردن این فرصت اقدام به پذیرش طرح راجرز و قطع نامه ۲۴۲ نمود تا با جلب حمایت نسبی غرب مانع ادامه تجاوز نظامی اسرائیل شده و از این طریق به تجدید قوا بیوزارد در آن شرایط تصمیم ناصر از سوی فتح بعنوان یک اقدام سازشکارانه محکوم شد.

۲- تجربه جنگ ایران و عراق پس از فشار نظامی غرب در خلیج فارس

قبل از پذیرش قطع نامه ۲۴۴ شده و غرب اقدام به تجاوز گسترده

دوم - خط مشی ای که مبارزه با صهیونیسم را اصل میدانند و در جهت براندازی اسرائیل غاصب حرکت میکنند ولیکن قادر به مبارزه با استثمار و سرمایه‌داری نفتی در منطقه نمیباشند و حتی از دلارهای نفتی و جناحهای نفتی در جهت مبارزه با اسرائیل نیز استفاده میکنند. این جریان بدلیل اینکه منبع اقتصادی مبارزه ضد صهیونیستی است و وابسته به درآمد نفت است و بخاطر خوش بینی استراتژیکی که به جناحهای نفتی غرب خصوصاً اروپا و ژاپن دارد نهایتاً یا مجبور است به وحدت کامل با نفتیها کشیده شود و یا اینکه یک راه خودکفایی مستقل از نفت را در مبارزه با اسرائیل تجربه نماید چراکه امپریالیسم با فشارها و شوکهایی که به درآمد نفتی این جنبشها وارد میکند میتواند مبارزه آنها را قلع نماید. ابوابیاد در صفحه ۳۶۸ فلسطینی آواره در این باره چنین میگوید: "... ما به معامله با دولتها و رجال قدرت معتاد شدیم روی عقاید و آرزوهای آنها حساب میکنیم. برای اثبات میانه روی نورش و آشتی پذیری خود در هر قدم شتاب کردیم. البته این تغییر چهره ما در میان توده‌های عرب که از ما انتظارات دیگری داشتند شدیداً به ما آسیب زده است تا اینحال به ازاء اینهمه ضرره حمایت و علاقه مندی چندان را نیز در میان اروپائیها و امریکاییها برای خود بدست نیآورده‌ایم. اما دلیل اصلی شکست ما در جهل ما نسبت به غرب و بیجیدگی روابط دوگانه‌تانیک آن نهفته است. همین نارسائیها و فقدان بینش روشن است که ما را به سمت اتخاذ تصمیمات خاص در جهت تطبیق بیشتر با افکار عمومی غرب و پناهانده شدن به انفصال و یاس و سرخوردگی سوق میدهد."

امپریالیسم جهانی یک پدیده استکباری است که صهیونیسم جوهره و پلیس سیاست - نظامی در خار میانه است بنابراین از یک سو عینی ترین مبارزه با امپریالیسم در مبارزه با اسرائیل خلاصه میشود و از طرفی جناحهای نفتی غرب بدلیل پیوند غریبه قابل تفکیکی که با اسرائیل دارند اجازه مبارزهای بنیادی علیه این کشور را نخواهند داد بنابراین در تدوین یک استراتژی ضد صهیونیسم بایستی از جناحهای نفتی قطع امید نمود چرا که در کادر مبارزه با اسرائیل به درگیری با جناحهای نفتی نیز کشیده خواهیم شد که بایستی مورد پیش بینی قرار بگیرد تنها با مرحله بندی کردن چنین مبارزهای قادریم قدر را آزاد کنیم برای عدم محافظه کاری در برخورد با جناحهای نفتی نیاز به اقتصاد خودکفای قدس داریم که بایستی در برنامه ریزی مبارزه دراز مدت با اسرائیل به این واقعیتها توجه شود. هر نوع تجعیل در نایبوی اسرائیل بدون فراهم کردن این زمینه‌ها به ناچار ما را به وحدت تاکتیکی با جناحهای نفتی خواهد کشاند که انتهای آن تقویت جریان صلح و سازش خزنه و پذیرش اسرائیل محدود (تزاریکا) خواهد بود. کمک اقتصادی نفتیایی چون عربستان به ساف بدلیل وحشت آنها از خودکفا و غیر قابل کنترل شدن فلسطینیها در مبارزه است البته زنده بودن آرمان آزادی قدس در بین ملت عرب آنها را وادار به فلسطینی نمایی میکند استفاده از این کمکها ایادی ندارد ولیکن اتکا استراتژیکی به آن موجب محافظه کاری در مواضع شده و مسئله فلسطین را تحت الشعاع وحدت رژیمهای عرب بدون توجه به ماهیت آنها قرار میدهد. حال اینکه با تقویت خط سلحانه کمک رژیمهای عربی به فلسطینیها از موضع وحشت از افکار ضد صهیونیستی ملت عرب خواهد بود و تأثیری در مواضع سازمانهای فلسطینی نخواهد گذاشت.

امید داریم بجای سرمایه‌داری سیاسی - استراتژیکی روی رژیمهای عربی و سازمان ملل برای کمک به حل اختلافات جبهه ضد صهیونیستی ایران - لبنان - فلسطین سرمایه گذاری شود. بهمان وجود دستهای مرموز تأثیری بسیار اساسی در ایجاد شکاف در این جبهه داشته

تور شهید سامی در ...

بدلیل شخصیت مستقل دکتر روشننده خلی مورتیود. بانوجه به مواردی که تریبید کرد شد میتوان به حق کینه رجوی نسبت به مرحوم سافیان کظرف و جناحهای سرکوب کرد داخل از طرف دیگریس بود.

در جریان پایان جنگ رجوی ملاحظه میکرد که نیروهای فلسطین با نظام همکاریشان بیشتر شده و لذا از این محیط همکاری رنج میبرد. رجوی علاقه نشان داد که علیرغم شعار پایان جنگ از صلح وحشت دارد چراکه مرگ خود را در آن میدید. در این راستا سوریه برادریو صدام

شدیدی علیه انقلاب اسلامی نمودند که وجوه آن عبارت بود از: دخالت نظامی غرب در خلیج فارس تغییر آرایش نیروهای صدام از حالت بدافندی به افندی و حمایت گسترده آمریکا از رجوی و...

این سرکوب گسترده نظامی بدلیل وجود زمینه‌های داخلی یعنی خور بینی برخی مسئولین به آمریکا و قطع نامه ۲۴۴ موجب تعمیل این قطع نامه به ما شد ولیکن امام خمینی برای رهایی از چنین تحمیلی علیرغم پذیرش قطع نامه تصمیم بر گسترش مبارزه با آمریکا برای رهائی اصولی از فشار و انزوا گرفته و گفتند: " اکنون اگر امریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند چه کسی جلو او را خواهد گرفت؟ پیروای جز مبارزه نمانده است و باید جنگند. ندان ابر قدرتها خصوصاً آمریکا را شکست ننگه قابل تحمل اینکه کسانی که علیرغم زهر تلقی شدن قطع نامه ۲۴۴ از سوی امام سعی میکنند آنرا به شیوهی عمل نشان دهند اقدام به محکوم کردن فلسطینیها نمودند. اند جوهر مشترک قطع نامه ۲۴۴ و ۲۴۸ پذیرش ولایت سازمان ملل (مدیریت ابر قدرتها) در حل بحرانهای منطقه‌ای است هر چند که این دو قطع نامه دارای تفاوت‌های رینایی هستند بنظر میرسد که امام خمینی بخاطر همین جوهره (ولایت سازمان ملل) بود که آنرا در حد زهر و پذیرش تحمیلی دانستند امید داریم برخی از متفکرین توصیه رسول اکرم (ص) را آمیزه گویند چنین نمایند که " چیزی را که بر خود تمییزند بر دیگران نیز میبندند". مسئولین جمهوری اسلامی و تمام صاحب نظران بایستی به توطئه جنگ داخلی در مورد هر دو انقلاب ایران و فلسطین توجه بیشتری نمود و از دستها و خطوط مرموز و تفرقه افکن غافل نشوند مسأله‌ها از طرف برخی نیروهای سیاسی با مسئله فلسطین ظهور بر خورد میشود که گوی فلسطینیها بیرونده‌ای جز سازش و خیانت نداشته‌اند و پیش از بیست سال سوابق درخشان فلسطینیها نادیده انگاشته میشود تا جائیکه در رابطه با ترور شهید ابوجهاد عنصر مقاومت سلحانه فلسطین از جانب این نیروها سکوت اختیار میشود در حالیکه در رابطه با قتل ضیاء الحق رسماً ابراز تأسف گردیده و از قول ملت ایران گوی را ضیاء الباطل میدانند به خانواده وی عرض تسلیت میشود. محکوم کردن نهایی کینه ایجاد کردن فاصله انقلاب ایران و فلسطین را بیشتر کرده و به نفع دشمنان مشترک هر دو انقلاب خواهد انجامید.

یکی از نیازهای شرایط کنونی این است که سه تجربه تاریخی فوق (مصر - ایران - فلسطین) بصورتی درسوزانه از طرف محققین سیاسی مورد بررسی قرار گیرد تا جمع بندی و عبرتی باشد برای تمام جنبشهای ضد صهیونیستی. به نظر ما تنها با استمرار قیام توده‌های فلسطینی در مناطق اشغالی و تقویت جبهه ضد صهیونیستی ایران - لبنان - فلسطین و حرکتهایی در جهت حل اختلافات درونی این جبهه، غرب از موضع استیصال مجبور به پذیرش دولت فلسطینی خواهد شد بدون اینکه فلسطینیها مجبور باشند در ازاء آن اسرائیل را برسعیت بشناسند زیرا در شرایطی که قیام فلسطینیها افکار عمومی جهان را تحت تأثیر قرار داده و ۲۵ هزار نیروی نظامی اسرائیل را به خود مگفول نموده است چنین حجم مسئولیتی فشار اسرائیل روی لبنان را اجباراً تقلیل داده و چتر امنیتی حزب الله و نظامیان فلسطینی در جنوب لبنان را تقویت مینماید طبعاً با گسترش چنین جبهه فشاری غرب مجبور به عقب نشینی در یکی از جبهه‌ها میشود که با توجه به قطع نامه ۲۴۲ این عقب نشینی در جبهه کرانه غربی و نوار غزه خواهد بود نیروهای فلسطینی بایستی روی گسترش چنین جبهه مقاومتی و نحوه تقویت آن در این مرحله فکر کنند. هر نوع مرحله سوزی و تسعجیل در تشکیل دولت فلسطینی از یک طرف موجب عدول رهبران ساف از مواضع استراتژیکی گذشته شده و از طرف دیگر امریکا را در موضع برتری قرار میدهد که نهایتاً آن عدم دست یابی به دولت فلسطینی خواهد بود.

گذشته‌ای را که زمین ساز چنین توطئه‌ای بوده کنار گذاشته و محکوم نمائید رجوی باید عواقب خط مشی اعلام شده اثر را از جناح استحال کاملاً به عهده بگیرد و یا اگر میخواهد بگوید کارنامت باید به وابسته بودن خود و تحلیل‌هایش اعتراف نماید. زیرا رجوی با تحلیل‌هایش این جناح را تکیه کرده و بعنوان دشمن برسوزیان مقلدین خود انداخته و ایضاً است که بیروانش هم به آن عمل کنند.

۲- مسئولین نهاد جمهوری اسلامی ضمن مسئولیتی که در حفظ جان چنین افرادی در انقلاب دارند بایستی باتوجه‌های دشمن با هویشاری بیشتری برخورد کرده و سهل انگاریها و اعمال ناشایستی را که در گذشته نسبت به چنین افراد و اعمال شده است محکوم کنند.

۳- بانوجه به ویژگیهای اصلی در شخصیت شهید سامی هدف دشمن از توروی آشکار میگرد و بر ماست که با شناخت مرچه بیشتر از راه و خط مشی آن شهید بزرگوار در حفظ و بروری آن بکوشیم.

رجوی به افراد "حناج استحال" مارکهای نظیر "مزدور" "خائن" "جیبی جاما" "دارالتجاره" و... زده بودند.

در جمع بندی نهایی میتوان گفت تشکیلات رجوی بعنوان قویترین سازمان اطلاعاتی مخالف انقلاب پیشتر ازین توطئه بود و این جنایت در استراتژی اعلام شده از سوی این گروه می گنجد و از طرفی خط مشی رجوی کاملاً هماهنگ با خط مشی "غرب یوده و طبعاً بار لائیکه قبلا هم ذکر شد این عمل از حمایت سازمانهای اطلاعاتی غرب و همچنین جناحهای سرکوب داخلی برخوردار است. اما از آنجاکه سازمانهای اطلاعاتی در ینکدیگرفتند دارند در شرایطی که همسو و هم جهت باشند میتوانند نیت خود را بدست دیگری جا می‌دهند. لذا ممکن است این توطئه یا ارادی رجوی و دست عوامل دیگران باشد یا نه.

نتیجه

۱- همه جناحها باید این جنایت را محکوم کنند و اعمال و سخنان

پاسخ به خوانندگان

و خط مشی درمی آید جذب می شدند . یکی از روحانیون که در انقلاب هم خیلی نقش داشت و در گذشته با مجاهدین ارتباط داشت با الهام از میزان گفته بود ۷۰ درصد آیات متشابه اند که قابل عمل نیست در مورد بقیه آیات محکم نیز در تفسیر علامه آمده است که ۱۷ نظریه مختلف وجود دارد که از هر تعریفی يك خط مشی بوجود میاید این مسئله باعث شد که مجاهدین میگفتند علمی برخورد کنیم که سازمان دچار تفرقه نشود .

ده ساله گذشته انقلاب آینه تمام نعیای این مسئله است . لذا اگر به تداوم انقلاب و حل معضلات آن علاقمندید طبیعتاً تمییز در آثار متفکرین اسلامی گذشته و حال متوقف شوید احترام همه آنان بحای خود و ارزششان محفوظ ولی انقلاب و رسالت مکتبی فوق اشخاص است .

ثالثاً در مورد شهدای مجاهدین هم همین قانونبندی صادق است . تقلید و تعصب نسبت به آنها هم مجاز نیست . گما اینکه در همین مقالات سیر تحول فکری شاید دیده باشید که در تصحیح و تکامل نظرات ایدئولوژیک گذشته مجاهدین چنانچه کارهایی صورت گرفته است .

اما اینکه در بین متفکرین ما روی ایمن جریان دست می گذاریم بدین خاطر است که آنها وقتی باین نیاز رسیدند که باید اسلام را در صحنه عمل و مبارزه راهنما قرار دهند .

من - پاسخ شما در مورد ضرورت ادامه جنگ و دلیل آزادی خلق را در نشریه راه مجاهد دیدم و با عرض معذرت بسیار ناامید شدم از طرز استدلالتان . ولی در هر حال از اینکه به سؤال من جواب داده شد خیلی ممنونم . شما ضرورت ادامه جنگ را وجود شیوه های غلط در جنگ دانسته اید در حالیکه در مورد ادامه جنگ به نظر من وجود شیوه های غلط نه میتواند دلیل ادامه آن باشد و نه میتواند دلیل توقف آن باشد .

ج - اگر قبل از ناامید شدن بار دیگر به شماره ۴۶ مراجعه کنید و جواب سئوالتان را بخوانید متوجه میشوید شما همان حرفها را تکرار کرده اید نه چیز دیگر . آنجا گفته شده مهم ادامه جنگ یا توقف جنگ نیست ، شیوه ادامه جنگ است . نگفته ایم وجود شیوه های غلط ادامه جنگ را ضروری میکند . بقیه در صفحه ۱۰

حنانچه فرد جستجوگر یا روحیه حق طلبی و محققانه به مطالعه آثار آن بزرگواران نبرد از یاد جبار گنجی شده و با ازین نظرات مختلف آنرا که به مذاق خود خوشتر بینند دنبال می کند .

مثلاً نظرات اقتصادی شهید صدر در کتاب اقتصاد ما را با نوشته های آخرین ایشان مقایسه نمائید . برخی به آن کتاب استناد می کنند و برخی به این نوشته ها . برخی به تأییدات و همکاری شهید مطهری با دکتر شریعتی استناد میکنند ، برخی به انتقاد وی از دکتر . عده ای شهید مطهری را شاگرد و مؤید نظرات علامه میدانند ، در حالیکه نقد شهید مطهری بر نظرات علامه راجع به فلسفه اخلاق و ویژگی انسان يك انتقاد اصولی و اساسی بر تفکرات مرحوم علامه است (مقاله اخلاق و حوادث انگیسی یادنامه شهید مطهری ج ۱ - راه مجاهد ش ۲۶)

بهر حال همین اختلاف نظرات نشان دهنده این است که بر آن بزرگواران هم روح تحقیق و حق طلبی بحای تقلید و شخص برستی حاکم بوده است . و مانع از همی روحیه بایستی با آنان برخورد کرده و از زحمات آنان استفاده کنیم .

ثانیاً گذشته از ارزشها بدلیل همیمن اختلاف نظرات و عدم انسجام یادگاههای متفکرین اسلامی معمولاً در حد بحثهای نظری و تئوریک محدود شده و در صحنه عمل و احرا ضعیف و ناقص است .

یکی از مشکلات مبارزین مسلمان در گذشته و انقلاب اسلامی در حال حاضر همین است که اسلام راهنمای عمل ندارد . در صحنه عمل از اصول فلسفه علامه طباطبائی و تفسیر معظم ایشان چه برنامه ای اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و ... بیرون می آید ؟ ایمن مشخص نیست . بلکه از جای جای تفسیر ایشان برنامه های متفاوت استخراج میشود . لذا در مجموع انسجام لازم را ندارد . گما اینکه مترجمین تفسیر ایشان و برخی فضلا بار دیگر تفسیر حدیدی بنام نمونه را منتشر می کنند .

برخی جوانان مسلمان که در صحنه عمل و مبارزه وارد میشوند و میخواهند از اسلام خط مشی و سازماندهی و برنامه ریزی در آورند ، مواحه با این عدم انسجام میشوند همین مسئله زمینه میشود که برخی از آنها ساده گزینی کرده و بسمت مارکسیسم که ظاهراً انسجام دارد و از جهان بینی اش فلسفه تاریخ و برنامه ریزی اجتماعی اقتصادی

من - خواننده سلطانی مینو بیند : " برادران عزیز تابحال نه عارفان و نه زاهدان و نه فقها و نه متریالیست ها و نه ایده آلیست ها و نه الهیون و نه ... هزاران مکتب ها و ایسم های دیگر نتوانسته اند بصورت عامیانه و مردم فهم چون ضرب المثل دو ، دو تا چهارتا مسائل هستی را حل و فصل نمایند . حالا که اکثر جامعه تا اندازه ای گم شده خود را در کتب قدیمه چون رساله صدر المتألهین (ملا صدرا) و امثالهم و کتب حدیدیه چون نوشته های محمد باقر صدر و طباطبائی و استاد مطهری و ... پیدا می نمایند و مجتهدین وقت هم که سردم اکثر از آنها بخصوص امام خمینی و آینه منتظری پیروی می کنند آن نظرات را قبول دارند چه دلیلی دارد که شما به طر...

ج - سئوال بجایی کردی و بحاست که پاسخ مشروحتری داده شود . اما یا توجه به کمبود کاغذ عرض می کنم این کار چندان دلیل دارد :

اولاً " مسلمانان دانیه جهان بینی و مکتب اگر تقلیدی باشد مورد قبول نیست . هر مسلمانانی باید در شناخت اسلام مشخصاً تحقیق و تفحص کند . و نه صرف اینکه فلان عالم یا علامه چنین گفته بد برفتنی نیست . لذا مسلمانان شرط اولش اینست که به هر کس اجازه دهیم در مورد نظرات عالمان از قدیم و جدید حنانچه استدلالی دارد مطرح نماید ثانیاً نوشته های ملا صدرا و شهید صدر و مرحوم طباطبائی و شهید مطهری را وقتی دقیق تر مورد مطالعه قرار دهیم . هر کدام در طول عمر خود به نظرات جدیدتری رسیده و همه ساد را دیدگاه قبلی خود تجدید نظر کرده اند . اضافه بر آن اگر با هم مقایسه کنیم گاه نظرات یکدیگر را رد کرده و در مواردی بعضاً مهم و اساسی اختلاف نظر دارند .

من - برادری زحمت کشیده نوشته ای فرستاده اند تحت عنوان " انقلابیون هرگز از اوضاع جاری در روند انقلاب مأیوس نمیکردند این مقاله مربوط به چند روز قبل از اعلام رسمی بدیروش قطعنامه است . در آنجا به برخی ناراحتیها بعنوان علل ضربه در عملیات اشاره کرده اند و لزوم ادامه جنگ را گوشزد نموده اند . ایشان می نویسند :

" متأسفانه ما خیلی به پیروزیهای بدست آمده مغرور گشتیم و این غرور باعث شد ضریاتی سخت را تحمل گردیم . این غرور از سطح توده هانیز قواثر رفته به سطح مسئولین مملکتی نیز سرایت نمود . برخی از این مسئولین بحای اینکه به تحریکات نهفته در پیروزیها دست یافته و آنرا ملاک عمل برای عملیاتی بعدی قرار دهند به غلط به تاکتیک موج انسانی دلخوش کرده گفتند کار عراق دیگر تمام است . تا آنجا که عالم الغیب گشته فلان سال را سال رسالت پیروزی و سال دیگر را فتح قدس نام نهادند . و این متأسفانه همان چیزی بود که امام بارها بآن اشاره کرده و مسئولین را به عدم غرور در پیروزیها رهنمون ساختند . "

ج - ضمن تأیید این مطالب در تکمیل آن لازم است بررسی کنیم که این غرور در نحوه برنامه ریزی و خط مشی عملیات این چند ساله چه تأثیری داشته است ؟

دوم اینکه حالا که قطعنامه را بدیرفته اند این غرور در صحنه داخلی انقلاب و برنامه ریزیهای داخلی چه بازتابی داشته و دارد ؟ امید داریم به این کار جمع بندیان ادامه دهید . چرا که هنوز در مورد ریشه یابی بدیروش قطعنامه تحلیل کاملی صورت نگرفته است . هر حای گوشه ای از قضیه گفته می شود که افرادی چون شما می توانید مسئله را جامع بررسی کرده و جمع بندی صحیح را ارائه بدهند . که امید داریم مارا هم بی نصیب نگذارید .

نمونه اشتراک

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقه مند به اشتراک نشریه " راه مجاهد " هستند ، خواهشمندیم تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند بهای اشتراک :

۱۲ شماره ۲۰۰ تومان
 ۶ شماره ۱۰۰ تومان

لطفاً وجه اشتراک را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۳۹ بانک صادرات میدان قیام به نام لطف الله میثی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا ارسال نمائید .

جمهوری اسلامی ایران
 وزارت مشاورین عالی
 اداره کل امور مطبوعاتی و نشریاتی

آقای لطف میثی
 بزرگوار و سر قانونی مطبوعات - تهران ۱۳۵۸.۵.۲۰

پروانه انتشارات مجاهد به روش سیاسی ایدئولوژی
 تهیه و تنظیم : نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
 شماره : ۲۱۵۲ / تاریخ : ۲۶/۲/۶۷ / قیمت : ۳۰۰۰ تومان
 برای مال منقذ به رعایت مقررات ، آرایین به نشر میبندیم .

از این نشریه بیست و یک شماره
 در دسترس است

فایده انبساطی
 انجمن انبساطی
لایحه
 نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
 زیر نظر شورای نویسندگان
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول
 مهندس لطف الله میثی

روشن سیاسی ایدئولوژیک - چاپ آشناس
 آدرس : توجه شود که راه مجاهد به علت کمبود امکانات دفتر نداشته و محل مسکونی زیر آدرس مدیر مسئول نشریه است و صرفاً جهت جرای قانون مطبوعات و مراجعه وزارت ارشاد معرفی میگردد تقاضا میشود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۵۶۸ تماس بگیرید . خیابان ری - شهید رضوی - کوی قاسم کلی - کوچه اخوان طباطبائی - پلاک ۲۶ طبقه دوم - کد پستی ۱۱۷۵۶

با گروههای دیگری که مسلمان هستند و استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی ، اینخواهند تقاضا داشته باشید
 امام خمینی